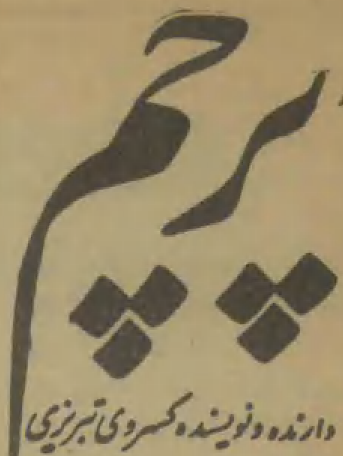


بهای اشتراک
سالانه ۲۰۰ ریال شش ماهه ۱۰۰ ریال
سه ماهه در همه جا ۵۰ ریال

بهای آگهی
هرسطری: صفحه دوم ۴ ریال صفحه سوم ۳ ریال
صفحه چهارم ۲ ریال

جای اداره
خیابان لاله‌زار کوچه مهران پاساژ بختیاری
تلفن ۶۰۲۶

تك شماره ۵۰ دینار

دو گواه استوار از پیشامد های کنونی

بیشتر ایرانیان دانسته اند که آقای کسروی از هشت سال باین سو با سری پرشور وآهنگی خستگی ناپذیر شبانروز میکوشند تا درد های این توده را از راهش درمان کنند. میکوشند تا نه تنها توده ایرانی‌یاسراسر شرق بلکه همه جهان را از گمراهی های کنونی باز رهانند.

این مرد گرانمایه با یك دانش وبینش بی‌مانندی بکار آغاز کرده و برای رهائی گرفتاران و گمراهان قرن بیستم که گمراهیشان ریشه دارتر و در خیره روئی و خود خواهی با فشار تـر از گمراهان زمان های پیشین اند، شاهراهی گشوده و در پیمودن آن گامهای بلندی بجلو رفته است.

از اینرو پاکدلان و غیرتمندان از هر گوشه کشور روی ارادت بسوی ایشان آورده اند وهریك نخست از خود آغاز کرده و پس از پاك کردن خویش از آلودگیها و دریافت راستیها با خون گرمی و کوشش فراوان بـه نشر راستیها در میان توده و نبرد با پراکندنی ها و آلودگی‌هابکوشش برخاسته است.

این مرد ورجاوند درد را نیك شناخته و از راهش بچاره برخاسته. او با دلیلهای خرد پذیر که جائی برای چون و چرا باز نمیگزارد ثابت کرده که انگیزه سر افکندگی و زبونی کنونی توده های شرقی هر آینه پراکندگی اندیشه ها است که از چندین رشته بدآموزی های کهنه و نو مانند کیشهای بیهوده، جبریگری، خراباتیگری، صوفیگری، بیهوده گوئی شاعران، مادیگری و، و، پیدا شده است وشرقی ها تادردام این آلودگیهاگرفتار است هر اندازه هم در هنر ها و دانشها پیش رود و خودرا هم اروپائی سازد، رهائی او از زیر فشار یوغ بردگی اروپائیان نشدنی است.

میگوید: نیروی توده از گرد آمدن افراد آن در پیرامون یك آرمان بزرك و همداستانی افراد در برگزیدن راه رسیدن بآن آرمان پدید می‌آید و هر توده ای که دارای آرمان نباشد و یا در برگزیدن راه وصول‌بآرمان بیشترافراد آن پاکدلانه همداستان نگردند و یا بیکبار راهی نداشته باشند همیشه دچار خواری و زبونی اند از این گذشته واژه توده بیگانه بر آنان صدق نخواهد کـرد و چون مهمترین شرط زندگی سر افرازانه را ندارند هیچگاه بر پای خویش نتوانند ایستاد و بسود خـود نخواهند زیست.

نمیخواهم در این گفتار ـ و اگر خواهم نتوانم ـ همگی گفته های هشت ساله ایشان‌را هرچند هم خلاصه باشد بیان کنم. کسانی که دلی پاك وسری پرسوز از بدبختی توده های شرقی بویژه ایرانیان دارند میتوانند با خواندن دوره های هشت ساله مهنامه پیمان و کتابهای آئین و راه رستگاری و رساله (امروز چه باید کرد) بر این راه خدائی آگاه‌شوند. منظورم در این گفتار تنها یاد آوری دو گفته از ایشان است که گردش روزگار گواهیهای استوارای برای آنها بدست داده.

۱ـ در یکی از شماره های‌سال ۱۳۱۹ پیمان ـ در زمانیکه‌ما از یکسو خودرا نیرومند می پنداشتیم و خودنمائی میکردیم و از سوی دیگر پلیدان و سیه رویانی که امروز زبان بید گوئی از آن زمان گشاده و کار را بیشرمی کشانیده اند، داد چاپلوسی ونامردی میدادند ـ آقای کسروی در پاسخ دونامه که یکی از تبریز و دیگری از مشهد نوشته شده بود پاسخ درازی نوشته اند، در آن پاسخ پس از روشن ساختن اینکه نیروی توده ها از کجا پدید میآید میفرمایند:

«دشمن شمابرروی زمین‌نیست‌ابرفراز آسمانهانیست، دشمن شما درخود شما است.دشمن‌شما این آلودگیها و پراکندگیهاست که از آنها باید بترسید و تا این دشمن را از خود دور نسازید جهان بهر شکلی درآید رستگارنخواهیدبود.»

از این پیش بینی خرد مندانه یك سال نگذشت که وقایع شهریور ماه پیش آمد و بـآن سرنوشت شومی کـه نبودن راه و نداشتن آرمان اجتماعی و پراکندگیها برایمان آماده ساخته بود گرفتار شدیم.

۲ـ در پایان گفتاری که در یکی از شماره های روز نامه پرچم بابت اجتماع تاریخی حزب کنگره هندوستان درهفتم اوت امسال در شهر بمبئی‌نوشته‌شده بود آقای کسروی پس از اشاره بگرفتاری های توده هند میفرمایند:

«گرفتم انگلیسها درخواست گاندی را پذیرفتند واز هندوستان چشم پوشیدند آیا پیشوای بزرك هندوستان با این پراکندگیها و آلودگیهای کیشی ونژادی هندیان‌چکار خواهد کرد؟»

سپس اضافه میکنند تا این پراکندگیها در هند هست کوششهای کنگره هیچگاه به نتیجه درستی نخواهد رسید وهمیشه بیگانگان از آنها سود میبرند و بدستیاری آنها فرمانروائی‌خویش را در هند استوار می‌سازند واگر هم انگلیسها هندوستان را ترك گویند ژاپنیها از همان راه بر توده ۴۰۰ ملیونی چیره خواهند شد.

در خبرهای اخیر خبرگزاری پارس برای این گفته آقای کسروی گواه تازه‌ای‌بدست‌آمد و چون دلیل استواری بر راستی آن گفته میباشد آنرا در اینجا می‌آورم.

از خبرگزاری پارس ۱۷ مهر ۲۱ = ۹ اکتبر ۴۲. لندن. «چنانکه خبرگزاری‌انگلیس اطلاع میدهد (لئوپلدامری) وزیر امور هندوستان درمیان خنده نمایندگان مجلس شوری با این عبارت که (انگلیسها هندوستان را ترك نکرده‌اند) شروع بسخن کرده اظهار داشت ما نمیتوانیم از جامعه‌بزرك مسلمانان که بالغ بر ۹۵ ملیون جمعیت میشود با احساسات وظیفه شناسی که دارند دست بکشیم. ما نمی توانیم از شاهزادگان هندوستان که تقریبا نصف آن کشور بدست آنها اداره میشود صرف نظر کنیم پیشنهاد های سر استافرد کریپس هنوز باعتبار خود باقی است صرف نظر کردن از مسئولیت ها پیش از آنکه یك قانون‌اساسی وضع شود مثل اینست که سرنوشت یك قانون اساسی‌بدست یك هیئت غیر مسئول سپرده شود...»

امری خاطر نشان‌کرد که مسلمانان هند بکلی از اغتشاشات برکنار بوده و تحت اداره جینا بازماندگان‌محلی کمك کرده‌اند نیز گروه بسیاری از اهالی‌هندو بااین اغتشاشات‌اظهار مخالفت کرده‌اند.

من دراینجاتنها میخواهم هم‌میهنان خویش‌را باین‌نکته متوجه‌سازم که چرا کوششها وجانفشانی‌های حزب کنگره و نافرمانی های کشوری آن نه دربار گذشته و نه در این بار به نتیجه نرسیده است؟ پاسخ این پرسش بیش از یکی نیست وچنانکه دربالا گفته‌شدتاپراکنده اندیشی بر توده هندی چیره است‌جهان بهرصورت درآید از کوشش وتلاش حزب کنگره نتیجه ای که باید بدست نخواهد آمد.

ونیز(کلمنت اتلی) نماینده‌نخست‌وزیر وپیشوای کنونی کارگران‌انگلیس‌درهمان‌نشست‌مجلس‌در پاسخ (ارتور گرینوود) وزیر پیشین درمیان سخن خود این جمله راگفته که برای منظور من دلیل‌دیگر تواند بود.

«با گفتن‌اینکه هندوستان‌بهندیها داده شود قضیه حل نمی گردد یکی ازمسائلی که بر سران مشغول‌مبارزه هستیم‌قضیه‌حتمی حیات اقلیتها است»

برای آنکه منظورم روشن شود چنین انگارید دولت انگلیس پیشنهاد نماینده دیگر ـ استافرد کمپ‌بل ـ راکه درهمان جلسه درخواست کرده بوده روساء کنگره هند فوری آزادشوند و مهاتماگاندی بمقام نیابت سلطنت برقرار شود بپذیرد. آیا میتوان باور کرد که هندوستان تنها با این کار بی آنکـه راهی برای درمان پراکندگی های خود بیندیشد و از آن راه بچاره آنها کوشد و آنها را بر اندازد خواهدتوانست‌دولت آزاد ونیرومندی که شایسته ۴۰۰ ملیون جمعیت و آنهمه زمین های بارده وسرچشمه های داراك باشد پدیدآورد؟! درپاسخ باید گفت نه و بازهم‌نه؛ زیرا دولت فرضی هندوستان درنخستین گام بهزاران گرفتاری که از پراکندگی‌هاوآلودگیهای توده برخواهدخاست روبرو خواهد شد وبزودی لگدمال دیگران خواهد گردید!

پس ای ایرانیان! بیائید در اندیشه سرافرازی خود و فرزندانمان باشیم! هان بیائید راه ورجاوندی‌راکه‌خدابرروی‌ما برای‌فهمیدن راستیها و نبرد با پراکندگیها باز کرده که پایان آن نه‌تنها سرافرازی‌وبزرگواری‌مابلکه همگی‌توده های شرقی است بپذیریم. هان بیائید همه‌در این راه رستگاری گرد آئیم و یك توده پاك ویگانه وسرافراز پدیدار آوریم! بیائید هم میهنان ایران را چراغ آسیا و رهبر شرق گردانیم!

محمدعلی امام

آیا روسیه آشتی تواند کرد؟

از دیرگاهیست در پرچم گفتگو در پیرامون جنك ننموده ایم، ولی اینك میخواهیم چند سخنی را در آن‌باره بنویسیم. در تهران کسانی هستند که کارشان‌دروغسازی‌در پیرامون جنك و نشرآنهاست و این شگفت که‌چون دروغ راه‌پیشه‌بسود‌یکطرف میسازند این‌را یك خدمتی‌بایران و یك اقدام‌میهن پرستانه می شمارند، واین شگفت تر که دروغی‌را که میسازند و پس ازچند روز بیپایگی آن بهمه روشن میگرددباز شرم نکرده چند روز دیگر یك دروغ دیگری ساخته بیرون میدهند. رادیو که‌در خانه های اینانست یك وسیله ای برای این کار بیخردانه گردیده. زیرا هر دروغی را بنام آنکه‌از رادیوی‌وبشی شنیدیم‌یارادیوی سوبس‌میگفت‌پراکنده میکنند. هر شهریکه در روسیه از سوی آلمانها مورد هجوم میشودتا هنگامیکه گشاده شود وجنك در پیرامون آن پایان یابد این دروغسازان چند بار خبر گشاده شدن آن را نشر میکنند و گاهی با صد بیشرمی تلفون بر داشته باداره روزنامه ها آگاهی میدهند.

از چندی پیش این دروغ را نشر داده اند که روسیه گفته است اگراستالینگرادهم بدست آلمانها افتاد ما پیشنهاد آشتی خواهیم کرد. چنین سخن عامیانه‌راپراکنده‌ساخته‌اند ومن بارها می‌بینم کسانی می‌آیند واز من در این باره پرسشها میکنندومن ازشنیدن آن‌افسرده میگردم و بر نادانی و نافهمی اینمردم بخشایش می‌آورم.

مابارها مینویسیم گفتگو از جنك و کار های دولتها باین‌آسانی‌نیست که هر ناآگاهی بآن‌بردازد در این جنگها تنها پیشرفت وشهر گشایی یکطرف رامیزان نتوان‌گرفت و باید چیزهای دیگر رانیز در نظرگرفت. شما از دورایستاده شهر گشائیهای آلمان را میشنوید واین نمیدانید که هر شهری‌باچه بهای کمر شکن بدست او می افتد. نمیدانید که روسها اگر شهرهایی را بدست آلمان می‌دهند در آن میان نیروی او را بتحلیل میبرند. آلمان را اگر فرض کنیم تا کنون پنج ملیون سپاه بکشتن داده وپنج ملیون دیگر نیز تا پایان جنك بکشتن دهد این ده ملیون کافیست که آنرا از پا اندازد زیرا از هشتاد ملیون مردم بیش از ده ملیون‌سپاه نتوان پدید آورد.

شما اینها را هیچ نمی اندیشید وهمین اندازه که می‌شنوید آلمانها در پیشرفت میباشند جلوپندار را باز می گزارید.

ما بارها نوشته ایم آلمان بارش سنگین است و من نمیخواهم بر خلاف نوشته های خود به پیش گویی پردازم یا در پیش بینی اندازه نگه ندارم، نمی‌خواهم ازپایان جنك سخن رانم. بارها نوشته ایم آینده را تنها خدا میداند. لیکن میخواهم بجلوگیری‌ازپندارپافیهای برخی‌ازایرانیان‌برخاسته بگویم فهمیده های شما بسیار پرتست.

از آنسوی درباره روسیه این‌رابایدانست که جنك این کشور با آلمان تنها بر سر خاك نیست، بر سر مسلك نیز هست، همه میدانیم کـه در میانه کمونیزم‌وفاشیزم مخالفت آشکاری هست‌وروسیان گذشته از اینکه در راه کشور می‌جنگند ازمسلك خود نیز دفاع میکنند و این نشدنیست که گردن بصلح گرارندچه رسد باینکه خود صلح خواهند.

حقیقت آنست که شکست فرانسه درآغازجنك و آشتی کردن آن با آلمان یك اندیشه غلطی به مردم‌داده که درهمه جاآن‌پیشآمد را میزان میگیرند ولی‌باید دانست که یك پیشامدی‌را که بعلل‌خاصی بوده میزان‌نتوان گرفت و کشورهارا بپای‌همدیگر نتوان برد.

راستی را باید گـفت: این ایستادگی های دلیرانه که‌ازسپاه روس در این جنگها دیده میشود چیزیست که کمتر گمان میرفت و می‌توان گفت در تاریخ نیز کمتر مانند دارد.

یك نکته بسیارمهمی که ایرانیان از آن‌غفلت دارند اینست که سرداران روس‌درهمان عقب‌نشینی خود نقشه بکار می برند و از روی یـك بینش و دور اندیشی پس می‌نشینند وچنانکه گفتیم شهرها را با یك بهای کمرشکنی بدست دشمن میسپارند، و این نکته دلیلیست که این‌توده با همه گزند هایی که می‌بیند خود را نباخته و سر رشته را از دست نداده است.

بهرحال عنوان اینکه در میان روس وآلمان گفتگوی آشتی رود بسیار بیخردانه است ودوباره میگوییم باینگونه دروغهای بیپا ارجی نباید گزاشت و بسخنش نیز نباید پرداخت. کار این جنگهای خونین ازآن گذشته که با گفتگوی آشتی پایان پذیرد. همانا داستان استالینگراد بهترین دلیلی است که شما بدانید که دوسو در راه فیروزی چه پافشاریهایی‌نمایند وچه ایستادگیهای عنودانه‌میکنند روسها کـه این گزند را بخود هموار میگردانند چه معنی دارد که اندیشه آشتی از دل گذرانند ما بملاحظاتی از گفتار نویسی درباره جنك خودداری می‌نمودیم ولی این خام اندیشی های ایرانیان مارا وادار میکنند که بار دیگر بنگارش گفتار هایی در این باره بپردازیم.

از اینجا و از آنجا

آقای تقی زاده



آقا سید حسن تقیزاده در دوره نخست از تبریز بنمایندگی برگزیده شد و در آن دوره یکـی از نمایندگان برجسته و بنام بود و سپس در پیش آمد بمباران مجلس بسفارت‌ـ خانه انگلیس پناهیده از آنجا روانه اروپا گردید و بود تا پس ازچند ماهی به تبریزآمد وچون‌تهران گشاده شد آهنك تهران نمود و در اینجا پیشوای دموکرات ها گردید و بنمایندگی بر گزیده شد از آن پس در بیشتر دوره های‌مجلس‌نمایندگی‌داشت ودرجنـگ جهانگیر گذشته در آلمان می‌زیـست وروز نامه کاوه را می نوشت و اکنون در لندن وسفیر ایران در پایتخت انگلیس است.

نگارش آقای واعظپور — ۲۸ —

آزادگان

۴ ـ مرام آزادگان

دبستانهابرای باسوادکردن مردم‌است. کسانی که میخواهند خواندن ونوشتن را یاد بگیرند از چهار سال تاشش سال درس خواندن‌میتوانند. این اندازه درس خواندن برای‌همه‌کس لازم است‌وباید دیدن دبستان را برای همه ناگزیر گردانید.

یاددادن حقایق وآئین زندگانی از دبیرستانها «آنهم‌دبیرستانهای کنونی باآن کتابها» ساخته‌نیست یاد گرفتن آنها برای همه کس واجب است بساید آن را هم در سالهای آخری دبستانها که ذهن ها حاضر بوده وافکار برای فرا گرفتن آنها آمـاده است، یاد داد.

میماند دانشمندی. همانطوریکه دربالا گفتیم اولا همه دبیرستان دیده ها نمی خواهندونمی توانند دانشمندشوندوخود هم‌بآن همه دانشمند نیاز نیست. ثانیا درسهائیکه در دبیرستانها میخوانند از هررشته دانش کمی بوده بدرد کسی کـه بخواهد دانشی را دنبال کند نمی خورد اینست که درسهای دبیرستان اساسا جز از تلف کردن عمر وفرسوده کردن مغز سود دیگری ندارد باید آن را از بین برد و بجای آن درهردانشکده کلاسهای‌مقدماتی‌تهیه کردتا کسانی که میخواهند دانشی را دنبال کنند مقدمات آن دانش را نیز در همان جا یـاد بگیرند. از طرفی نیز چون خوانندگان این درسها از روی میل و رغبت بدانشکده میروند، میتوانند چیزهائی را که شاگردان مدارس در یکروز یاد میگیرند اینها در سه ساعت یانصف روز فرا گیرند. اینست دانشکده ها در ساعات عصر یاشب دائر میشود که هر کسی میل دارد پس از فراغت کار روزانه خود آنجا رفته و درس میخواند وپس از پایان تحصیل شهادت‌نامه‌دانشمندی‌میگیرد. سوداین‌ترتیب اینست که هم جوانها عوض تباه کردن عمر ومغزهایشان در دبیرستان‌دنبال هنر وپیشه رفته دیگردرزندگانی درمانده نمی شوند. هم‌دانشمندانی که ازدانشکده ها بیرون میآیند، چون درسهارا در ساعات‌فراغت خوانده و از کار وپیشه خود باز نمانده اند اینست که‌اگر نیازی بدانش آنهـا نشد از راه کسب و پیشه خود نان خورده وناگزیر نمی شوند باردوش دولت وملت شوند.

دیگر موضوع کتابهای درسی و اصلاح برنامه مدارس است، کتابها که اکنون در دبستانها درس داده میشود بسیاری از آنها سودی ندارند هیچ زیان فراوانی نیز دارند.

همه آنها پر از تعلیمات ضد و نقیض و اشعار بیربط و ناسود مندی است که بچه ها را از همان ابتدای تحصیل گیج نمود هوش و جربزه آنهـا رامیکشد.

باید کتابهائی را در دبستانها درس داد که پاکدامنی و درستکاری، دلیری و نوع پرستی، خوبهای نیکو و آئین مـردمی به کودکان و جوانان بیاموزدنه کتابهائی راکه پراز آموزاکهای ناسودمند و افکار پلید این و آن است.

باید برنامه فعلی دبستانها را برهم زد وبرنامه که نظریات بالارا تامین کند و آنهائی را که گفتیم در برداشته باشد درست کرد.

این است عقیده آزادگان در بارهٔ فرهنك و این فرهنك است که باید تعمیم داد.

ما میگوئیم که‌توده باسواد، تودهٔ که حقایق زندگانی را میداند برای اصلاحات دیگر آمـاده تر از توده بیسواد است ولی تافرهنك اینست که داریم چه سودی از آن حاصل میشود و چه بهره میتوانیم‌از تعلیمات آن برداریم بـرای همین منظور است که آزادگان‌میگویند پیش از نهادن پایه محکم و متین برای زندگانی و قبل ازروشن کردن و پذیرفته شدن حقایق از هر راهی که به اصلاحات آغاز کنیم بجائی نخواهیم رسید

نوشته یك بانو

آقای کسروی

من از طرف خودم خیلی تشکر میکنم برای اینکه دراین دوره تاحال ازیك نفرنشنیده وندیدم که بگوید آن شاهنشاه سابق ما در راه ایرانیان دراین مدت کم چقدر زحمتها کشیده واقبال‌ایران مرده را تازه زنده کرده بود وآن خدماتی که‌آن شاهنشاه کرده بود تا حال هیچ یك از پادشاهان ایران باینکار قادر نشده بودند بعضی ازمردمان نادان وبی تجربه عیب میگیرند و میگویند: خیلی ظلم کرده بود، سئوال میکنم چه ظلم؟ می گویند پول میگرفت! چه پول؟ مالیات زیاد خوب آنکه عیب نیست که برای شاه میگیرید ولی اگر قدری در اطراف این موضوع تفکر کنید همان پولها را بخودشماها رد میکرد و همان پولها را بآبادی کشور خرج‌میکرد، ازآن پولها کارخانجات و راه آهن وراه شوسه درست میکرد وبیشتر احتیاجات وراحتی مردم را فراهم میشود وهزاران افراد در این کارخانجات وراه کار کرده و اسباب معیشت زندگی‌خودرا فراهم میکردند همچنین‌مدارس‌بسیار عالی از قبیل علمی و صنعتی و دانشگاهی تأسیس کرده بود و تمام بچه های غنی و فقیر آنجا تحصیل کرده وبعد از اتمام درس هر کس بی کاری رفته ودر حقیقت از کار های بد هزاران فرسنك دور بودند واز همه مهمتر امنیت کشور بود که تمام‌آن پولها را داده بود برای پاسبان ونظامی‌وامنیه که جان و مال مردم راحفظ میکردند که‌در آن موقع یکنفر زن نصف شب از مشرق تا مغرب راه میرفت کسی‌ازترس آن جرات نمیکرد بپرسد کجا میروی و همان پولهاست که آنهارا برای تأمین بیمارستانها و پرورشگاهها که جان هزاران‌مردمان فقیر را از بدبختی نجات داده صرف کرده است.

باری اگر همه خدمات آن شاه را اینجا بنویسم البته یك کتاب تاریخی خواهدشد.

آن نعمتی عظیمی بود که خداوند آنرابه ایرانیان عطا فرموده بود و چون شکرش را بجا نیاوردیم دوباره ازدست ما گرفت **بانو م ـ افشار**

پرچم: از این احساسات پاکدلانه یك بانو خوشنودیم ولی ای بانوی‌بافهم یکی از کار های نیك آن شاه ازمیان بردن چادروچاقچور وپا پیچه وروبند زنان بود که اکنون بدخواهانی میکوشند آن را دوباره برگردانند واین بشما بانوان بافهم است که دست بهم دهیدوازبازگشت آن‌جلوگیرید بشماست که درچنین هنگامی یك هنر و دلیری از خود نشان دهید. شما بکوشید و همه مردان بافهم وغیرتمند پشتیبان شما هستند

شما بانوان درس‌خوانده باید این اندازه فهم و جربزه از خود نشاندهید که افزار دست ملایان نافهم و مغرض نشوید، این اندازه فهم وهوش از خود نشان دهید که پس از اینهمه جشنها کـه بنام برداشته شدن چادر وروبند گرفتید و آنهمه سخنها راندید دوباره خودرا گرفتار آن توبره سیاه نسازید این بسیار ننگست که شما تصور کنید پاکدامنی در آن چادر و پیچه بوده است. چنین تصوری بسیار بیخردانه است. بازگشتن بچادر یك لطمه بزرگی بآبروی کشور شماست همت کنید و جلوگیرید. بسخن آ ن پیره زنان پندار پرست کـه رشته اختیـارشان در دست ملایان مردم فریب است گوش ندهید.

گزارش کشور

نان تهران رو ببدی میرود

با آنکه اهمیت هیچ موضوعی امروزه مانند خوار بار نیست معهذا با کمال تاسف دیده میشود که وضع نان تهران که یگانه غذای اغلب افراد این شهر و با بهتر این کشور است روز بروز بدتر میشود،

امروز از مقابل هر خبازی که عبور کنیم می بینیم که در دکان را از مختصر راهی که برای دخول باز گذاشته اند جمعیت زیادی بافشار داخل شده و عده ای قریب صد الی صد و پنجاه نفر هم بیرون در خیابان ها و معابر عمومی باحال ازدحام و غوغا منتظر رسیدن نوبه بوده و با فشار میخواهند داخل دکان شوند تا قطعه نانی بدست آرند. بهر کسی که میرسیم قبل از هرچیز از کمی نان صحبت میکند وعلاوه مینماید که دیروز یاروز های پیش از آن نان بدست نیاورده یادیشب گرسنه خوابیده هنوز نمیدانیم وزارت خوار بار چه فکری کرده یا چه نقشهٔ کشیده اکنون که وضع نان بمنتهی درجه سختی رسیده وروزی نیست کـه در دکانی زد و خورد نشود یاعدهٔ در همین تهران بدون نان نمانند بهتر است دولت توجه بیشتری در اینخصوص بنماید وهرچه زودتر از ادامه این وضع جلوگیری کند

خبرهای ورزشی

دیروز ساعت هشت مسابقه کشتی باستانی با حضور آقای شکرائی رئیس اداره تربیت بدنی بین پهلوانان منتخب تهران و شهرستانها بمنظور تعیین برگزیده ترین پهلوان در امجدیه بعمل آمد ابتدا برای دسته بندی پهلوانان همه آنها راوزن نمودند کـه حریفان هم وزن با هم زور آزمائی کنند.

این مسابقه با آئین ایرانیان باستان آغاز شد یعنی هر پهلوانی که میخواست بمیدان بیاید ابتدا میدان را می بوسید و باین وسیله فروتنی خود را که لازمه پهلوانی و زورمندیست ثابت میکرد وسپس با نهایت صمیمیت بسنجش قوه وقدرت خود مبادرت میکرد وهنگامی که از نبرد پیروز وفاتح بیرون می‌آید به پاس دلجوئی و برای رعایت اصول جوانمردی حریف مغلوب را نوازش میکرد وچون پدران دلیر زورمند خود که همیشه بگاه فتح وظفر ازمغلوب استمالت میکردند ازمحوطه مسابقه خارج میشد.

دوره اول مسابقه بین دسته پهلووزن و گوزن وگردوزن و یل وزن انجام گردید وامروز نتیجه‌هائی تعیین خواهد شد.

***

دیروز ساعت دو بعد از ظهر مسابقه فوتبال قهرمانی بین اصفهان وشیراز انجام شد و نتیجه دو به هیچ بنفع دسته اصفهان خاتمه پذیرفت.

ساعت سه‌ونیم دیروز مسابقه فوتبال دسته تهران ومشهد آغاز شد ونتیجه هشت بهیچ بنفع دسته تهران خاتمه پیدا کرد.

***

امروز ساعت دوونیم بعدازظهر مسابقهٔ دوچرخه سواری بین دوچرخه سواران زبده کشور درجاده مخصوص از میدان مجسمه آغاز خواهد شد. ورود برای عموم آزاد است.

از شاهپور می نویسند

۱ – روز پنجشنبه دوم وشنبه و یکشنبه و ۲ شنبه و ٤ و ٥ و ٦ مهر ماه چند کامیون حامل سرباز و یك آتشبار مسلسل میان دیدگان اشکبار اهالی از شاهپور گذشته و بطرف ماکو عزیمت کـردند عموم موفقیت آنها را از خدا خواستارند و از قرار معلوم عدهٔ اکراد زیاد بوده و از اکراد شاهپور هم بآنها پیوسته اند.

۲ـ اهالی شاهپور بواسطه کمی آب نیازمند بحفر یك رشته کاریز می باشد بامساعدت مالی وزارت کشور این مشکل برطرف میشود

۳ – بواسطه اختلاف بین مالك و رعایای ده مقانجوق خرمنها هنوز در خرمنگاه مانده و از بین میرود

٤ ـ از آقای سعیدی رئیس دارائی اقتصادی شاهپور خواستاریم توضیح دهند چای هائی را که چند ماه قبل اداره دارائی خوی برای اهالی شاهپور فرستاده بوده چرا تاکنون بخش نکرده و بعلاوه چای وقماشی که جدیداً وارد شده بچه علت (بواسطه نیاز مند بودن اهـالی) اقدام بتوزیع آن نمی نماید

٥ ـ از بسکه دارائی اقتصادی شاهپور در موضوع سپردن تعهد ماز ادغله بزارعین ومالکین فشار وارد آورد و حتی بعضی از آنها را بدون مجوز قانونی باز داشت نمود که زارعین مجبور شدند تخمی را که بایستی بکارند تحویل انبار ثبت غله نمایند در نتیجه خود زارعین فاقد خوراك شده و کشت سال آینده بوضع بد واسف‌آوری دچار شود

از مراغه می نویسند

جبار آقا نام سارق وجانی معروف کهار بدو انقلاب از هر گونه چپاول و غارت و آدم کشی در بخش آجرلو، چهار دولی، وهشترود خود داری نکرده واز طرف ژاندارم سراسکندر مراغه مجموع اقدامات لازمه معمول موفق بدستگیری نشد اخیرا بمطابق دستور آقای سروان شقاقی افسر ژاندارم آقای بیوك یزدانی که یکی از مالکینی و در این انقلابات از هر گونه خدمت و جان فشانی در راه دولت و مملکت فروگذاری ننموده سارق نامبرده را دستگیر کرده است.

مجلس شوری

نود و هفتمین جلسه مجلس شورای ملی روز شنبه ۲۵ مهرماه ۱۳۲۱ یکساعت و نیم پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل صورت جلسه پیش خوانده وتصویب شد.

قبل از دستور

آقای طوسی تلگرافی را که از ورامین رسیده بودودائر بتعدی امیر فیض رئیس اداره املاك ورامین بود برحسب تقاضای مخابره کننده در جلسه علنی مجلس قرائت نمودند و اظهار داشتند آقای امیر فیض چون درسابق باکدخدای محمود آباد نقار و کدورتی داشتند بدین جهت فعلا هم در این موقع انتقام را بجای اینکه لااقل از کدخدا بگیرد از یکده گرفته بطوریکه کلیه رعایا وساکنین ده را بیچاره کرده است. درصورتیکه قرار بود هیچیك از کارکنان سابق اداره املاك را بکار نگذارند و این هیئت های بازرسی هم کـه بشهرستانها و املاك رفته اند هیچ کاری انجام نداده و با اعمالی که انجام میدهند چنین بنظر میرسد که خیال ندارند بزودی مراجعت نمایند.

آقای رئیس - تلگراف را خواندید دیگر بس است.

آقای صفوی - بنده خیلی میل داشتم آقای وزیر خواربار یا یکی از آقایان وزراء این جا تشریف داشتند تاتوضیحاتی بدهند که اسباب تسکین خاطر عموم مردم فراهم گردد. البته آقایان اطلاع دارند که گرانی خواربار و ترقی قیمت آن تا چه اندازه رسیده و کار مردم تنگدست بکجا رسیده است وشاید بیشتر مردم شب بـی شام می خوابند (یکی از نمایندگان - اغلب) و معلوم نیست این سختی و بدبختی بکجـا خواهد انجامید و دولت برای آن چه‌فکری کرده است.

از بعد از ماه رمضان بابنطرف اغلب مردم نان بدست نیاورده‌اند واگرتنها ازقسمت شمال شهر صرفنظر نمایید دیده میشود که بیشتر مردمی که غذاشان بیش از استکانی آب گرم با قطعه نـان سیاهی نیست از این ببعد چه می کنند

در جلسهٔ که مدیران جراید بودند و آقای وزیر خواربار و مستر شریدن هم تشریف داشتند اطمینان دادند که باندازه یکسال گندم هست واگر هم نباشد وارد میکنیم هنوز یکهفته از فرمایشات ایشان نگذشته که این وضع پیدا شده بهتر است آقای رئیس اطلاع دهند وزیر خوار بار اینجا حـاضر شده توضیح بدهند آخر وضع مردم بکجا خواهد انجامید.

آقای تهرانچی — راجع باخباری که در بعضی جرایدمنتشر میشود خواستم عرایضی کنم بعضی از جرایدبرخلاف آنچه‌را که در اینجا گفته‌میشوددرج میکنند و این خوب نیست زیرا اگر خلاصه‌بکنند اشکالی ندارد ولی نباید برخلاف آنچه که نماینده میگوید چیزی نوشته شود و در ضمن این عرض را هم میکنم که یکی از روزنامه هـا (روزنامه کیفر) دیدم که درجوابی که بنده‌راجع به بیانیه در مجلس اظهار کرده بودم نوشته بودشما از کسانی هستید که قراردادرا امضا کرده اید و ماده چهارم قرار داد هم این چیزها را پیش بینی کرده است

بنده خواستم عرض کنم که اولا من مخالف قراردادبودم وبعلاوه اوهم‌اشتباه بزرگی کرده‌زیرا آن ماده قرارداد هم معنایش آن نیست که‌آنطور تفسیر کرده است.

آقای دهستانی - درجلسه‌گذشته‌وعده‌داده بودم که عملیات دولت را راجع بخواربارات بیان کنم ولی از آنجائی که برای وزارت خوار بار مستشار آورده اند وتازه شروع بکار کرده است لذا چند روزی هم صبر مینمایم و پس از آن توضیحاتی خواهم داد.

همینقدر میگویم وقتی که شما از دهقان آنچه که دارد بگیرید ناچار میشود دست عائله اش را گرفته در این سرمای سخت زمستان خود را به شهرستانها برساند. درصورتیکه وقتی عائله این شخص بشهر بیاید مخارجش چندبرابر بیشتر میشود امروز می‌بینم گفته‌میشود نان دهقانان رابرای تهران گرفته‌اند و اهالی تهران هم اینجا گرسنه مانده اند. بهرحال اگر وضعیت بدین ترتیب ادامه یابد ناچارم شرح عملیاتی را که دولت درباره خوار بار کرده در اینجا بدهم

گزارش کمیسیون عرایض و مرخصی ها خوانده شد. تنها مرخصی آقای بوداغیان رد شد.

لایحه متمم بودجه مطرح شد.

ماده ٢٤ راجع به برقراری وظیفه در باره ورثه مرحوم سید جمال‌الدین واعظ تصویب شد.

ماده ٢٧ خوانده شد. آقای یمین اسفندیاری در خصوص بودجه وزارت بهداری و موسسات آن توضیحات کافی دادند و اظهار داشتند قانونی که برای استخدام پزشکان ازمجلس گذشته است کافی نبوده و نمیشود با این قانون پـزشکان را مجبور نمود که در خارج به طبابت پردازند واشخاصی‌هم از این موضوع سوء استفاده مینمایند و اگر هم بخارج بخواهند بروند یا به شمیران میروند و یا به بیمارستان های فیروز آبادی در شاه‌عبدالعظیم و نقاط حومه شهر را باین ترتیب جزو خارج از مرکز محسوب‌مینمایند در صورتیکه‌باید حومه شهرتهران را هم جزء مرکز محسوب کرد.

اداره تبلیغاتی در وزارت بهداری تاسیس‌شده که بنده که نمیدانم برای چیست هیچ، شاید خود وزارت بهداری هم‌نمیداند - متاسفانه طبق اطلاعاتی که بدست آورده ام مقدار زیادی دارو از کشور خارج میشود.

مثلا مقداری دارو برای آذربایجان فرستاده‌اند که درموقع رسیدن مشاهده شده که قوطی‌ها خالی بوده و درآنها چیزی نبوده حال معلوم نیست سوء استفاده شده یا عوض شده یا اینکه آنکه درمرکز بوده وداروها را میفرستاده یا کسیکه درآذربایجان دریافت داشته‌ دست بوده اند بهرجهت معلوم نیست بعلاوه‌پرونده‌دیگر بست‌راجع بمقداری گنه گنه که‌مفقود شده‌ومعلوم‌نیست کجارفته وضعیت بهداری شهرداری هم‌با مواظبت های آقای دکتر سجادی مهم‌اداره‌درست اداره‌نمیشود ودستورهائیکه‌ایشان‌میدهند وتوجهاتی راکه مینمایند متاسفانه عملی‌نمی‌شود وگمان‌میکنم ضمیمه شدن این اداره بوزارت بهداری از مجزا ماندن آن اداره بصورت فعلی بهتر باشد.

آقای انوار در پاسخ آقای یمین اسفندیاری بعنوان موافق در باره این ماده اظهار داشتند که بیانات شما چندان‌مربوط‌به این ماده یاعطیه‌ملوکانه نبوده وراجع‌بمازندران هم‌والله نمیدانم چه بگویم اینهمه خرج‌هائی که‌شده اینهمه‌راه که‌درست‌شده بـا این همه وسائل که میگفتید از همه جا بهتر شده پس باز هم مالاریا هست.

آقای یمین اسفندیاری - این‌دفعه دومست که‌طرف‌حمله‌همکار محترمم آقای انوار شده‌ام. اگر آقای انوار خود را موظف میدانند که همیشه مانع از بیانات بنده‌شده وبامن‌مخالفت نمایند، بنده خود را موظف نمیدانم که‌حتما حملات آقا را دفع‌نمایم بنده وظیفه‌خود میدانستم که‌آنچه اطلاع دارم‌بعرض برسانم خواه مخالف عقیده‌آقای انوار باشدوخواه موافق (صحیح است)

آقای اردلان – (معاون پارلمانی‌وزارت دارائی) چون آقای دکتر مرزبان وزیر بهداری تشریف نداشتند بنده بیانات آقای یمین اسفندیاری را یاد داشت نمودم تا مورد توجه قرار گیرد.

رای بماده گرفته و تصویب شد ماده بعد خوانده شد.

آقای فرمانفرمائیان در خصوص این ماده اظهار داشتند که‌عباراتش نارساست و بعلاوه سرمایه‌بانك ملی در دست دولتست و ارقامی که اسکناسهای موجودی در دست مردم را نشان میدهد چندان بـا واقع وفق نمیکند.

آقای اردلان در پاسخ آقای فرمانفرمائیان بیاناتی اظهار نمودند.

آقای هاشمی - وجوهی بعنوان عطیه ملوکانه بشهرستانها داده شده خواستم بـه بینم آیا مصرف صحیحی برای آنها در نظر گرفته شده و آیا در مقدار آن عطایا چه تغییراتی داده شده.

آقای اعتبار مخبر کمیسیون در پاسخ بیانات ایشان اظهار داشتند که برای مصرف آنها کمیسیونی با حضور آقایان وزراء دربار و دارائی و کشور تشکیل شدو برای‌مصرف کردن این وجوه‌تصمیمات مقتضی اتخاذ و این وجوه کم کم بترتیب بمصارف حقیقیشان خواهد رسید.

آقای ثقة الاسلامی در باب دویست ملیون طلب بانك ملی از دولت بیاناتی نمودند.

آقای مؤید احمدی - اگر چه آقای معاون وزارت دارائی توضیحشان کافی بود ولی بیانات آقای فرمانفرمائیان و قسمتی از فرمایشات آقای ثقة الاسلامی بنده‌رامحرك شد که توضیحاتی در اینجا عرض کنم. آقایان‌بدانید که‌در این کشور حسابی راست‌تر وحسابی بهتراز حساب بانك نیست و دلیل اینکه‌وجوهاتی که‌دولت‌ببانك‌میدهد‌یامیگیرد بایدباتصویب مجلس باشد بااینجهت است که دولت دارای شخصیت‌حقوقیست و‌مجبوراست‌پرداختهایش با اطلاع مجلس باشد

آقای امیر تیمور — عقیده داشته کـه این دوماده بهتراست‌بماند تا کمیسیون معین کندبدهی اول دولت را که چقدر است و چیست و صورتش معلوم شود

آقای دکتر طاهری بعنوان موافق با ماده در پاسخ آقای امیر تیمور مطالبی اظهار داشتند

آقای معدل — حالا که مطلب محاسبات بانك بمیان آمده بهتر است این ماده بماند تا در کمیسیون درست بحسابها رسیدگی شود وتاآنجائی که ممکن است صورت‌محاسبات بنظر عموم برسد تاباعث رفع‌هر گونه شك وشبههٔ گردد. مثلاوضعیت زمینهای سنگلج و عمارت جنب بانك ملی در خیابان فردوسی معلوم نیست که مال دولت است یامال‌بانك. فعلاآقای‌معاون وزارت دارائی‌رامجبور نمیکنیم‌که جوابی بدهند بهتر است ایشان نیز مطالعات کافی نموده پس از آن در کمیسیون‌حاضر شده وجواب دهند

آقای ملك مدنی راجع بماده مربوطه بعنوان موافق توضیحاتی داده و اظهار داشتند که این‌ماده ابهامی ندارد و تصور نمیکنم تصویب آن اشکالی داشته باشد.

آقای اعتبار راجع بمعاملات‌بانکملی‌در‌خصوص زمین سنگلج و ساختمان خیابان فردوسی اظهار داشتند که این معامله را بانك کرده و امروز هم ضرری نخواهد نمود و جای نگرانی در بین‌نیست و بهتر است بیش از این معطل نشویم و همین امروز این ماده را تصویب کنیم.

آقای ثقة‌الاسلامی – این‌دویست‌ملیون ریالی را که‌دولت صرف تاسیس شرکتهائی مانند حریر، مرکزی و غیره نموده وحساب‌آنها هم‌هیچ معلوم نیست بهتر است روشن‌شود که‌این مبلغ در گذشته چطور مصرف شده و بچه مصرف رسیده و حساب آن پیش کیست.

آقای مخبر کمیسیون در پاسخ ایشان اظهار داشتند که رسیدگی‌بحساب شرکتها بحث‌دیگری است و مربوط باین ماده نیست بانك پولی را داده ومطابق‌آن‌صورت‌همان‌مبلغ راخواهد گرفت کاری نداریم که شرکتها استفاده برده اند یا نه

آقای فرمانفرمائیان در خصوص پیشنهادخودشان توضیح داده و اظهار نمودند بهتر است مـا تنها قرضهٔ را که مربوط باین دوره است تصویب نمائیم و با سالهای بعد کاری نداشته باشیم. آقای اعتبار در پاسخ ایشان اظهار داشتند این بضرر بانك تمام‌میشودو تقاضادارم‌آقای‌فرمانفرمائیان پیشنهادشان را مسترد نمایند.

به پیشنهاد آقای فرمانفرمائیان رای گرفته و رد شد. بماده ۳۱ رای‌گرفته و تصویب شد ماده ۳۲ خوانده شد.

آقای انوار — بنده خواستم در خصوص موضوع این ماده توضیحی بدهم تا خیال نکنند آقایان که این سید جلیل‌القدر خواسته است نسبت باین زمینها تملك خود را محرز نماید یا مالکیتی بخرج دهد. خیر این‌مرد خیرخواه تنها میخواست که این زمینها مورد استفاده برای بیمارستان‌واقع شود. وزارت‌دارائی این‌زمینها را میدهدبوزارت بهداری‌ووزارت‌بهداری‌این‌زمینهـا رابآقای‌فیروز آبادی‌واگذارمینمایدواز نظرخیرخواهانهٔ که‌آقای فیروز آبادی دارند این زمینها را وقف مؤبد می نمایند.

آقای ملك مدنی — چون در اینجا اسمی از آقای فیروز آبادی بمیان آمد خواستم وقت مجلس راگرفته وقدری دراطراف اقدامات ایشان صحبت کنم. در موقعیکه ایشان در دوره

از تبریز مینویسند

قربانیان بی مبالاتی!

آری جنك جهانسوز در هر نقطه جهان اثر شومی ازخودبیادگار گذاشته و از هر کـه علت هر تغییری را می پرسی. میگوید: جنك است. جیب بری، ولگردی، چاقو کشی، گران فروشی احتکار چه چه همه را از اثر جنك میخوانند.

آیا تندراندن‌اتومبیل در خیابانهای پرجمعیت آنهم از اثرات جنك است؟

اگر در بالای کوهی یا در جادهٔ بدی حادثه و تصادم اتوموبیل رخ دهد باز هم میشود گفت:

راه بد بوده راننده مجبور به تیز رفتن بوده امادر توی خیابان اشخاص را زیر ماشین گرفتن و بانهایت بی‌اعتنائی پس از زیر گرفتن گذاشتن ورفتن منتهای بیرحمی وبی انصافی و بی مبالاتی نیست؟!

کوتاه سخن در تبریز از حادثه شهریور باین طرف‌ازهرچندروز وهفته یك دونفر در زیرماشین میماند اینك نگارنده امیدوار است دستور صادر فرمایند:

اقلا رانندگان اتوموبیلها در خیابانها تـا اندازهٔ مراعات نمایند که اشخاص فقیر و بیچاره زیر ماشین نمانند

توضیح بنکه اگرعده این قربانیان را بخواهید بدانید از آمار متوفیات بدست آرید که چقدر مردم در اثر تصادم اتوموبیل از بین رفته اند!

تازه ترین خبرها

جبهه خاور ـ استالینگراد بار دیگر سروروی خودرا با آهن وپولاد پوشانده و ویرانه های خود را با خون جوانان شستشو میدهد وگودالهای غرقه بخون خود را گورستان سربازان طرفین ساخته است.

فرماندهی نیروی محور باتجدید قوای کامل و در دست گرفتن لشگرهای تازه نفس ونیرومند و رسیدن مهمات فراوان و هواپیما های بیشمار با این قوای زورمندی که باختیارش گذاشته شده بـا کلیه قوا در تمام جهات جبهه بار دیگر بزرگترین حملات خودرا شروع نموده است

نیروی محوربرای دست انداختن بمواضع مستحکم شوروی وشکافتن خطوط آنها وتصرف مواضع سخت و مورد لزوم از هیچ کوششی فرو گذار نکرده با قربانی نمودن بهترین جوانان و فـدا کردن وشید ترین سربازان و منهدم ساختن بهترین مهمات خود سعی مینمایند هرچه زودتر نتیجه منتظره را بدست آورند.

پس از یك دوره آرامشی کـه شاید کمتر از روز های پیش نبرد شدت داشت بـار دیگر نیروی آلمان پس از تجدید قوای کافی دو شب پیش سخت ترین حملات خود را در حومه شمال‌باختری شهر باوبرانه استالینگراد شروع نمود.

در این منطقه زد وخورد هـای بس خونینی وشدید بوقوع پیوست هدف عمده نیروی محور همان کوی صنعتی بود. جنك تاپاسی از شب گذشته جریان داشت. آلمانیها متجاوز از یکصد تانك و چند صد هواپیما جمع کرده بابیست وپنج هزار تن پیاده بحمله پرداختند.

مـدافعین در عرض روز مختصر زمینی را از دست دادند وآلمانها پس از گرفتن این نقاط باسرعت‌غیرقابل وصفی بتحکیم پرداخته ودرنقاط متصرفی هرچه زودتر مستقر شدند. شب هنگام نیز پس از تعرض شبانه سختی که نیروی شوروی مجبوربترك‌چندین‌خیابان شد فشارهمچنان‌ادامه دارد وجنك‌باهمان شدت جریـان ....

آلمانها برای تصرف یکی‌از مواضع استالینگراد تونلی حفرنموده وپس از دخول درخطوط شوروی معابر مختلف زیر زمینی حفر نموده و با مین بشدت ترکاندند و بدینطریق در خطوط شوروی شکافی ایجاد نمودند.

هارولدکینك فرستاده مخصوص خبرگزاری انگلیس درباره وضع استالینگراد مینویسد:

گو اینکه نیروهای ژنرال رودنیسف با شدت فوق‌العادهٔ نبرد مینمایند ولی با اینحال اوضاع استالینگراد بسیار وخیم است.

جبهه خاور دور — اعلامیه ستاد ارتش متفقین در جنوب باختری اقیانوس آرام مشعر بر آنست که ژاپنیها در دامنه شمالی کوه های اون ستانلی تا حدی عقب رانده شده اند.

ضمنا اشعار شده است که متفقین راه های بین بونا و (کوکودا) را بمسلسل بسته اند.

در جزیره تیمور به بندر (وئین) حمله شده و در نزدیکی کشتی‌های بازرگانی ژاپنیها بمب هائی ریخته شده است.

عملیات جزایر سلیمان — راجع بعملیاتی که درظرف دو روز اخیر در جزایر سلیمان بوقوع پیوسته اطلاعات زیر رسیده است:

در چهار دهم اکتبر بامدادان هواپیماهای ما در کرانه خلیج رکاتا بامسلسل بر نه هواپیمای دشمن آسیب وارد آورده اند.

بعد از ظهر بمب افکن های عمود رو نیروی دریائی با همراهی هواپیما های شکاری از کوادالکانال حمله کرده بر کشتیهای سرباز بر دشمن که بجزیره نزدیك میشدند دو نوبت حمله بردند خسارتی که متوجه نیرو های ما شده مختصر بوده است. یك هوا پیمای شکاری امریکا بمرکز خود باز نگشته است.

شب پانزدهم اکتبر برمواضع ما در کوادالکانال از طرف کشتیهای دشمن که درشمال جزیره قرار گرفته بودند گلوله باران کردند. ناوچه های اژدر انداز امریکا برآن کشتیها حمله بردند واحتمال میرود یك‌رزم‌ناودشمن مورد اصابت اژدر واقع شده باشد.

یك دسته مهم از کشتی های دشمن در منطقه (بوئین فائینی) نزدیك جزایر (شورلند) دیده شده.

کوششهای سیاسی

چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد سرتیپ مونتگومری فرمانده ارتش هشتم بپایه‌سر لشگری ارتقا یافته است

دولت سوئد تصمیم گرفته است در سال ۱۹٤۲ از اعطای جایزه نوبل صرف نظر نماید

ترین خبرها

...ار دیگر سرورو ی خودرا با آهن وپولاد پوشانده و ویرانه ... و گودالهای غرقه بخون خود را گورستان سربازان طرفین

... قوای کامل و در دست گرفتن لشگرهای تازه نفس ونیرومند ...مار با این قوای زورمندی که باختیارش گذاشته شده بـا ...ترین حملات خودرا شروع نموده است

...ن بمواضع مستحکم شوروی وشکافتن خطوط آنها وتصرف ... فروگذار نکرده با قربانی نمودن بهترین جوانان و فـدا ...بهترین مهمات خود سعی مینمایند هرچه زودتر نتیجه منتظره

... شاید کمتر از روز های پیش نبرد شدت داشت بـار دیگر ...ب پیش سخت ترین حملات خود را در حومه شمال باختری

... بس خونینی وشدید بوقوع پیوست هدف عمده نیروی محور ...ب گذشته جریان داشت . آلمانیها متجاوز از یکصد تانك و ...ار تن پیاده بحمله پرداختند .

... زمینی را از دست دادند وآلمانها پس از گرفتن این نقاط ...اط متصرفی هرچه زودتر مستقر شدند . شب هنگام نیز پس ...وبترك چندین خیابان شد فشار همچنان ادامه دارد وجنگ باهمان

...اضع استالینگراد تونلی حفرنموده وپس از دخول درخطوط ... و با مین بشدت ترکاندند و بدینطریق در خطوط شوروی

...خبرگزاری انگلیس درباره وضع استالینگراد مینویسد : ...سف با شدت فوق‌العادهٔ نبرد مینمایند ولی با اینحال اوضاع

...ه ستاد ارتش متفقین در جنوب باختری اقیانوس آرام مشعر ...اون ستانلی تا حدی عقب رانده شده اند .
...راه های بین بونا و(کوکودا) را بمسلسل بسته اند .
...حمله شده و در نزدیکی کشتی‌های بازرگانی ژاپنیها بمب

...راجع بعملیاتی که درظرف دو روز اخیر در جزایر سلیمان

...اپیماهای ما در کرانه خلیج رکاتا بامسلسل بر نه هواپیمای

...ود رو نیروی دریائی با همراهی هواپیما های شکاری از ...بر دشمن که بجزیره نزدیك میشدند دو نوت حمله بردند ...بوده است . یك هوا پیمای شکاری امریکا بمرکز خود

...در کوادالکانال از طرف کشتیهای دشمن که درشمال جزیره ... های اژدر انداز امریکا برآن کشتیها حمله بردند واحتمال ...قع شده باشد .
...ثمن در منطقه (بوئین فائینی) نزدیك جزایر (شورتلند)

...شهای سیاسی

...ع میدهد سرتیپ مونتگومری فرمانده ارتش هشتم بپایه‌سر

...ر سال ۱۹۴۲ از اعطای جایزه نوبل صرف نظر نماید

ضروری نخواهد نمود و جای نگرانی در بین‌نیست و بهتر است بیش از این معطل نشویم و همین امروز این ماده را تصویب کنیم .

آقای ثقةالاسلامی — این‌دویست‌ملیون ریالی را که دولت صرف تاسیس شرکتهائی مانند حریر، مرکزی و غیره نموده وحساب آنها هم‌هیچ معلوم نیست بهتر است روشن‌شود که این مبلغ در گذشته چطور مصرف شده و بچه مصرف رسیده و حساب آن پیش کیست .

آقای مخبر کمیسیون در پاسخ ایشان اظهار داشتند که رسیدگی‌بحساب شرکتها بحث‌دیگری است و مربوط باین ماده نیست بانك پولی را داده ومطابق آن‌صورت‌همان‌مبلغ راخواهد‌گرفت کاری نداریم که شرکتها استفاده برده اند یا نه

آقای‌فرمانفرمائیان‌درخصوص پیشنهاد‌خودشان توضیح داده و اظهار نمودند بهتر است مـا تنها قرضهٔ را که مربوط باین دوره است تصویب نمائیم و با سالهای بعد کاری نداشته باشیم . آقای اعتبار در پاسخ ایشان اظهار داشتند این بضرر بانك تمام‌میشودو تقاضادارم آقای فرمانفرمائیان پیشنهادشان را مسترد نمایند .

به پیشنهاد آقای فرمانفرمائیان رای گرفته و رد شد . بماده ۳۱ رای گرفته و تصویب شد ماده ۳۲ خوانده شد .

آقای انوار — بنده خواستم در خصوص موضوع این ماده توضیحی بدهم تا خیال نکنند آقایان که این سید جلیل‌القدر خواسته است نسبت باین زمینها تملك خود را محرز نماید یا مالکیتی بخرج دهد . خیر این‌مرد خیرخواه تنها میخواست که این زمینها مورد استفاده برای بیمارستان واقع شود . وزارت‌دارائی این‌زمینها را میدهدبوزارت بهداری‌ووزارت‌بهداری‌این‌زمینهـا وآقای‌فیروز آبادی‌واگذارمینمایدواز نظرخیرخواهانهٔ که‌آقای فیروز آبادی دارند این زمینها را وقف مؤبد می نمایند .

آقای ملك مدنی — چون در اینجا اسمی از آقای فیروز آبادی بمیان آمد خواستم وقت مجلس راگرفته وقدری دراطراف اقدامات ایشان صحبت کنم . در موقعیکه ایشان در دوره

نظر باحتیاج عمومی

...امشب تا ساعت ۱۲ عبور ومرور در ...شهر آزاد خواهد بود

...رای نامه نویسی باآزادگان

آقای آ گاه نامه ای از جهرم فرستاده چنین ...نویسند : چند روزاست بجهرم‌آمده ام ودرنتیجه ...گفتگوهایی که شده چند تن آماده‌گردیده اند که ...دوازده ماده خواستهای آزادگانرا بپذیرند و در ...جا « با همادی » پدید‌آورده از کوشش‌باز نایستند ...خواستار شده که نشانی همراهان را ازشهرهای ...دیگر بنویسیم که‌گاهی نامه نویسی کنند.

می گویم : شما نیك میدانید کـه آزادگان ...حزبی همچون حزبهای عادی دیگر نیست بیشتر ...آزادگان آنهایند که از دوازده سال باز در سایه ...خواندن پیمان از دور و نزدیك با من رابطه‌یافته ...ند و یکدسته نیز از پارسال در نتیجه انتشارپرچم ...بآنان پیوسته اند . اینست آزادگان در همه جای ...ایران هستند وچون مایه ارتباط ایشان فهم وباور ...میباشد چه اجتماعی داشته باشند وچه نداشته باشند ...تفاوتی در میان نیست . از اینرو آزادگان نه تنها ...کسانیند که درتبریز و تهران ومراغه و همدان و ...آمل و رضاییه و دیگر شهر ها بحال اجتماع ...میباشند . بسیار دیگری هستند که داخل‌اجتماع ...نشده اند و یکسره با خود من‌رابطه دارند . بهر ...حال من از هر شهری نشانی یکتن را برای شما ...می نویسم که بمیانجیگری آنان بادیگران نیز نامه ...نویسی کنید :

تهران	اداره پرچم	آقای سلطانزاده
تبریز	سرای کچه‌چی	« محمدتقی‌فروتن
مراغه	اداره ثبت	« ضیاء مقدم
رضاییه		« خطیبی
اردبیل		« علایی
مشهد	شاه تقی مقاطعه‌کاری شماره ۱۹	
		« پاکباز
رفسنجان	اداره ثبت	« نیری
بندر شاه	گمرك	« برهانی
اهواز	گمرك	« امام
آبادان	بانك	« شیشه‌گر
...بارخ		« هاتفی
شهر کرد	دبستان دولتی	« فرزانه
یزد		« محمدعلی‌فرهمند
کاشمر		« مهندس‌شریعت
آمل		« معراجی
قزوین	سرای شاه	
	تجارتخانه‌باکروان	« مینوئی

...شتم وکالت مجلس را داشتند با حقوق خودشان از آنروز بنای این بیمارستان را گذاشتند وبابن اقدام خیر پرداختند و خواستم در اینجا عرض‌کنم بهتر است مجلس اقدامات ایشان را تقدیر کنند و از این مرد شریف سایر متمکنین نیز پیروی نمایند (صحیح است)

آقای امیر تیمور بنده خواستم در عین اعلام موافقت خود با این ماده شرحی از عملیات خیر خواهانه و حسن نیت آقای فیروزآبادی عرض کنم تا عموم از نیات پاك این مرد خیر خواه مطلع شوند .

آقای طباطبائی. کاری که باید در دفتر ثبت اسناد رسمی انجام شود موضوعی ندارد که درلایحه متمم بودجه بمیان بیاید آقای فیروز آبادی اقدام خیری نموده دولت هم بپاس آن خدمات می خواهد زمین باو واگذار کند این‌بلایحه متمم‌بودجه چه ربطی دارد ؟

آقای اعتبار برای روشن شدن ذهن آقای طباطبائی بیاناتی نموده و شرحی از خدمات آقای فیروز آبادی بعرض مجلس رساندند و تذکردادند که هنوز انجام وقف رسمی‌در دفاتر ثبت بعمل‌نیامده آقای هاشمی‌اظهار داشتند که این عبارت نارسا‌ست در نوشتن این ماده و تصویب آن تکلیفی برای آقای حاجی سید رضا فیروز آبادی معین مینماید آقای دکتر طاهری درپاسخ ایشان‌اظهاراتی‌نمودند وبیان کردند که‌با توضیحاتی که ازطرف‌مخبر کمیسیون وآقایان دیگر داده شد بنظربنده تصویب این‌ماده اشکالی‌ندارد ودرحقیقت‌آقای حاجی سیدرضافیروز آبادی با این عمل خود دو کار خیر انجام میدهند وزمینی را هم که دولت بایشان‌واگذار نموده در مقابل مخارجی که ایشان در ساختمان بیمارستان قبل نموده اند چندان ارزشی ندارد و شاید بیش از چهار هزارتومان نمی ارزدو ایشان هم‌در نظر دارند این زمین را برای ساختمان آسایش گاه بکار برند .

آقای دهستانی بعنوان موافق بیاناتی اظهارنمودند

آقای رئیس‌اظهار فرمودند که دراصل‌موضوع کسی مخالف نیست تنها عبارت آن قدری روشن نیست‌وعقیده دارم‌خوبست که‌بدین‌ترتیب اصلاح‌شود (عبارت اصلاحی را قرائت نمودند) .

آقای‌اردلان— چون آقای فیروز آبادی در ساختمان بیمارستان وسایر اقدامات خیر نیکی‌های بسیاری نموده‌اند ، بنظر بنده برای تشویق‌سایرین هم که شده بهتر است این ماده تصویب شود و این کار خیر تا ابد بنام ایشان باقی بماند و تمنی میکنم بنام قدر دانی که فرمودید برای تصویب

آیا گرانتر گردانیم یا از

صفحه‌اش بکاهیم ؟

اینك چند روزه بار دیگر بهای کاغذ بالا رفته وازآنسوی ما این کاغذیکه از شماره ۱۰۱ باینسوبکار می بردیم بپایان رسیده اینست‌ناگزیریم یا بهای تك شماره‌را درهمه‌جا یکریال گردانیم ویا روزنامه‌رادردوصفحه بچاپ رسانیم و این دو روزه باید این کاررا یکرویه‌گردانیم .

بسیاری از خوانندگان پرچم در تهران می گویندکه دوصفحه گردانید . زیرا ازیکسو‌آینده‌کاغذ دانسته نیست و امروز هر چه میتوان باید بقناعت کوشید و از سوی دیگر روزانه یکریال برای بسیاری ازخوانندگان‌سنگین‌می افتد . ازشهرستان هانیزهمین‌را خواهانند . زیرا می گویند‌چندشماره یکجا می رسدودادن چند قران یکسان بسیاری دشوار می افتد از سوی دیگر ما می بینیم اگردو صفحه گردانیم بخوانندگان از حیث مطلب زیانی نخواهد بود واز حیث بهاء سود خواهد بود زیرا ما دردوصفحگی ازسرگفتار وگفتار های دیگر و از اخبار داخله واز گزارش مجلس شورای کـه موردنظرانبوه خوانندگانست‌چیزی نخواهیم کاست آنچه خواهیم کاست بشرح پائین خواهد بود

۱) آگهی های دراز وآگهی های ثبتی که اگر چنین روزی آگهی هایی بود آنروز چهار صفحه خواهیم گردانید .

۲) اخبار خارجه که کمتر کسی میخواند . بخصوص با بودن «تازه ترین اخبار » و بخصوص در شهرستانها که پس از چند روزی می رسد . تنها برخی خبر های مهم یـا نطق‌ها را خواهیم آورد .

۳) کشف‌آمریکا وگفتارهای پرفسورفوکس که جزو روزنامه نیست و تنها در روزهای چهار صفحگی خواهیم آورد .

٤) تا بتوانیم خواهیم کوشید گفتار ها کوتاه تر و پر مغز تر باشد و این خود یك فیروزیست که نویسندگان را عادت دهیم در نوشتن تنهابمغز مطالب واصل مقصود پردازند و از مقدمه سازیها در گذرند . همچنین خوانندگان را عادت دهیم که آنچه میخوانند باندیشه خوانند و همیشه دربی لب مطالب باشند .

در اینجا میخواهیم بار دیگر توضیحی دربارهٔ کاغذ پرچم بدهیم : ما چون آغـاز بنوشتن این روزنامه کردیم‌پنج تون کاغذ از بانك ببهای‌ارزان خریدیم سپس پنج تون از بازار از قرار کیلویی ۱۷ریال خریدیم که‌شصت هزارریال‌ازوجه آن را آقای محمد خسروشاهی بعنوان وام و بنام کمك به روزنامه دادند و این همان کاغذ است که اکنون بپایان میرسد و ما فرصت را غنیمت میشماریم که بآقای خسروشاهی سپاسگزاریم . پس از آن دو تن کاغذ از آقای محمد علی نصرتیان خریده ایم که ازشماره های آینده آن را بکار خواهیم برد و چون آقای نصرتیان هم در قیمت تخفیفی داد و هم شش‌ماه بیشتر ازمطالبه کسر پول آن خودداری نموده و جوانمردانه کمك بروزنامه نمودند اینك به ایشان سپاس ارمغان میسازیم .

در باره دررفت پرچم نوشته بودیم کـه یك شرکتی بنام (شرکت چاپخانه پیمان) از دوسال پیش دوباره برپا شده بود و بسرمایه آن روزنامه را نیزراه‌انداختیم وچون درنتیجهٔ‌زیان درتنگدستی بودیم چند ماه پیش دو باره از تبریز ۲۷۰۰۰۰ ریال سرمایه فرستادند وما باید بآن رادمردان نیز سپاسگزاریم این را هم باید بگوییم که روزنامه در این چند ماه با زیان بزرگی توأم بوده وبخشی ازسرمایه ازمیان رفته، ولی با اینحال ماخشنودیم زیرا گذشته از اثریکه پرچم در باره آذربایجان کرد و آن آواز هاییرا که بنام هواداری اززبان ترکی و دیگر غرضهای پست برخاسته بود خاموش گردانید و اینـ یك داستانیست کـه آذربایجانیان بهتر آ گاهند این نکته هم‌فراموش نکردنیست که‌پرچم در این نه ماه تکانی درمیان جوانان پدید آورد و ما اگر فرض‌کنیم در نتیجهٔ انتشار پرچم تنها صد تن از جوانان اندیشه‌هاشان بتکان آمده و با حقایق آشناگردیده اند این‌خود بیش از صد ملیون ریال ارزش دارد ، زیرا هر یکی از آن جوانان اکنون و یا در آینده مایه تکان اندیشه‌های‌صد تن دیگر خواهند بود و این رشته همچنان پیش خواهد رفت .

ما بارها گفته ایم ریشه حقایق درمغزهر کسی جا دارد خردها با آنها آشناست وبیگانه مانع‌توجه نداشتن و یا آلودگی به پندارها میباشد و اینست همینکه یك تکـانی پدید آمد و توجهی پیدا شد همین خودبس است که هرکسی را براه رستکاری راند و او را در جستجوی حقایق بتکاپو اندازد مقصود آنست که ما اگر زبان کرده ایم آن زبان دربرابر این سود بسیار کمست وجای اندوهخواری نیست اینکه تا کنون ایستادگی کرده واز پانیفتاده ایم خود جای سپاس وخشنودیست .

این ماده رای بدهید .

آقای طباطبائی توضیح‌دادند که عبارت نامفهوم است و بهتر است بماند برای جلسه بعد . آقای اعتبار با تقاضای ایشان موافقت نمودند ۲۵ دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم و جلسه آینده بـروز سه شنبه موکول شد

داوری توده

آقای مدیر محترم نامه گرامی پرچم

ازبدو انتشار پرچم تاکنون همه‌آنها را خوانده و چون حقیقت بوده همه آنها را پذیرفته و بکاربسته ام کوتاه سخن آنکه خود و خدا و حقایق‌زندگی را(تا آنجائی که در اینمدت نوشته اند) شناخته ام و اینك با ۱۰ ماه پیش خود فرق زیادی نموده ام در اینصورت منهم یکی از هزاران افـراد طرفدار حزب آزادگان بوده و چون این حزب خواهان حقیقت است منهم‌همه چیز خود رامرهون زحمات آن نویسنده دانشمند بوده و بدینوسیله باخامه شکسته خود میخواهم از زحمـات طاقت فرسائی که آن مدیر محتـرم در این راه تحمل فرموده اند سپاسگزاری نمایم .

اینك گفتگوئیکه بین من و چند نفـر از خراباتیان واقع شده ذیلا بعرض میرسد

چند روز پیش بابکی از دوستان یکـرنك از در خرابات عبور میکردیم باصرار ایشان وارد و چند نفر نیز از آنها نشسته بودند از هر دری سخنی پیش آمد تا سخن به فلسفه‌تشکیل آزادگان و مرام و عملیات آنها ازبدو تاسیس تاکنون‌رسید یکی از آنها اظهار نمود این زحمات بیهوده‌ایست که آقای کسروی متحمل شده اند زیرا بشرنیکی پذیر نیست و خداوند از ازل ما را نیك و بد خلق کرده بنا بـراین خوبی و بدی مـا طبیعی است. چگونه میتوان آدمی را کـه جبلا بد خلق شده با نصیحت و پند و بازجروبند خوب نمود گفتم آیا گفتار های نویسنده پرچم را راجع به جان وروان‌خوانده در اطراف آنها فکر کرده اید ؟ جوابداد بلی .

گفتم جواب اینها را چه میدهی گفت خوب و بد لازم و ملزوم هستند .

خطابودزخطازاده‌گرخطا نکنـد برنیاید این دوکار ازهیچ فرد، مردی ازنامرد ، نامردی‌زمرد. ترا خدا‌ملاحظه کنید این‌مردم چه‌باورهائی‌دارند

آقای کسروی اینمردم ازدو حال خارج‌نیستند

۱ ـ یا نادان هستندو دائماً عقل آنها از درك حقایق قاصر است در این صورت چندان بـاید برای آنها خـواند تاهدایت شوند و به حقیقت بگروند .

۲ ـ و یا گفته های خرد پذیر شما را می فهمند ولی تعمداً گردن نمیگذارند در این صورت نیز باید آنها را در وادی ضلالت و گمراهی‌بحال خود سرگردان گذاشت تا در چاه بیفتند وسزای خویش را به بینند .

آقای کسروی شما پیش بروید و از هیچ چیز بیم نداشته باشید زیرا خدا و مردمان پاکدل پشتیبان شما هستند .

آبادان — خسروسلیمانیان

پرچم : یکی از بد آموزیهائی که در میان جوانان درس خوانده ریشه دوانیده همینست که بگویند :آدمی نیکی پذیر نیست ، بدی‌در طبیعت آدمی گزارده شده ، این‌مردم‌نیك نمیشوند ، برای کسانیکه میخواهند دست از هوسبازیهای خود بردارند دستاویز خوبی پیدا شده ، و پیداست که اینان‌نابتوانند گفته‌های‌مارا بخواهندبپذیرفت‌وابنگونه پاسخها را خواهند داد ،ولی‌تاکی خواهند توانست این نبرد با حقایق‌را پیش برند ؟ . تاکی خواهند توانست بـا این‌اندیشه‌پوچ و بیپا زندگی‌بسر برند بیاری‌خدا نودیك است آنروزی که اینان بپای حساب خوانده شوند

چگونه پندار پرستی باین

توده چیره شده

چند روز پیش برای انجام کاری مسافـرت کردم و اتفاقا بادسته ای از سربازان همراه بودم و چون مقداری راه پیمودیم ماشین از کارافتاد و شوفر بدرست کردن آن پرداخت و در آن میان یکی از سربازان گفت چون امروز سیزدهم بود و حرکت کرده‌ایم ناچار خرابی ماشین و دیگر شکستها در پیش‌خواهیم داشت و دیگری‌ازآنان بیمناك بود که‌در هنگام حرکت‌عطسه نموده وچون اختیار با خودش نبوده نتوانسته حرکت با قامت تبدیل نماید و خود را منتظر یك پیش آمد بدی میداشت و دیگرانرا هم از موفقیت بآن مأموریت نا امید مینمود و چون درست در روی وپیشانی سربازان نگاه کردم دیدم نومیدی همه آنان را فراگرفته و با خودگفتم سربازانی که با یك‌عطسه فسخ اراده میکنند و سربازانی که روز کار نمی دانند چگونه میتوانند در پیش آمد های تن فرسا بنگاهداری توده وکشور برخیزند و چون نبرد با خرافات یکی از وظایف آزادگان است با زبان ساده و ملایمی آنان را از داشتن چنین عقایدی ملامت کردم‌وبآنمردی که از حرکت‌کردن درروز سیزدهم بیمناك بود گفتم بی گمان شما خود را مسلمان میدانید و بقرآن عقیده داریـد گفت آری مسلمانم و بقرآن عقیده‌دارم گفتم این عقیده شما برخلاف مسلمانـی است زیرا که در قرآن چنین‌دستوری‌دیده‌نمیشود که‌مسلمانان‌درروزسیزدهم بکاری دست نزنند و کسانی که چنین خرافه‌ای در میان مسلمانان‌رواج داده‌اند با دین دشمنی کرده‌اند چه آنکه همه روز ها روز خداست و تاثیری در پیش آمدهایی که برای آدمی میشود ندارد وآدمی باید بپیروی ازخرد بنماید وچون با مثال های ساده ای‌راستی ها را برای چند تن از آنان بیان کردم وبی‌پایه‌بودن‌باور هایشان‌را در باره عطسه وسیزدهم

شکایت

جناب‌آقای‌نخست وزیر، جناب‌آقای رئیس مجلس‌شورای‌ملی، جناب آقای وزیر کشور، جناب آقای‌وزیر دادگستری، آقای‌مجد ضیائی‌نماینده محترم‌مجلس آقای مدیر محترم روزنامه پرچم

کمینه نصرت گرمرودی صبیه مرحوم سروان خدایاری عیال دایمی احمد گرمرودی که احمـد مزبور ساکن میانه و شغل او قهوه خانه‌نشینی‌است با سوابق مشعشعی که‌به هوچی گری و کلاه‌برداری بعناوین مختلفه در دادگستری و استانـداری و فرمانداری و بانك‌فلاحتی تبریز و فرمانداری‌مراغه و کلیه دوایر میانه دارای پرونده های گوناگون میباشدبیست سال که بزوجیت احمد مزبور درآمده طول این مدت در سایه اختیار عیالهای .. متعددو به عنوانی با هر یك متارکه نموده مبتلاء بامراض گوناگونم نموده که امورات زندگانیم و مخارج معالجه‌ام ازارثیه پدری و کمك مادر و برادر بوده سعی زوج کمینه این بوده با تهدیدات بقتل بوسیله مادر و خواهر و بستگان خود بتواند مرا مجبور کند کلیه مهر و حقوق و ارثیه پدری خود را به مشارالیها بذل که مرا طلاق گوید اخیرا هم عیال دیگری‌اختیار شروع به‌حیف و میل نمودن‌ وروثی پدری و مهریه این جانبه برآمده در قبال جور و ستم احمدمنظور هرچه بادارات میانه تظلم‌نموده‌ام دوایر میانه از بیم هوچی گری او بوسیله نامه بوزارتخانهاوجرایدمرکز که‌مبادا مقامشان‌متزلزل گردداز رسیدگی‌به تظلم های این جانبه ازشخص شرور ناصالح محلی که امورات زندگانی خودرا باین نحو میگذارند و موجبات اغتشاشات محلی و مزاحمت دوایرمیانه‌را با تشکیل‌دسته بندی فراهم می‌نماید از رسیدگی به جور وستم درحق اینـ جانبه خود داری‌برعکس درمقام‌مساعدت وهمراهی با او برمیآمدند بالاخره دست درازی وخودسری این مردناصالح‌محلی بجائی‌رسید که مجبور گردیده نیمدانك ملك شخصی خود معروف به حاجاچی که به‌ثبت‌رسیده وحتی‌خوداحمد مزبور طبق سندرسمی شمـاره ۱۰۶۳ ـ ۲۴و۲و۱۹ محضر میانه شماره ۳۳ حق مرا درنیمدانك مزبور گواهی‌نموده طبق سند رسمی به اماملی مرادی باجاره واگذار از تاریخ‌اجاره بعناوین مختلفه از رسیدگی‌مستاجر و غارت اموال و جنجال محلی را فراهم برئیس دادگاه میانه‌تظلم رئیس دادگاه درعوض جلوگیری از عملیات غیر قانونی او برعکس در مقام‌مساعدت و همراهی بااحمد مزبور و تهدید مستاجر برآمده که درظل توجهات رئیس دادگاه برجسارت وطرز عملیات احمد مزبورافزوده گردید (الهی زاین‌معماء پرده بر دار) تا اینکه بخت یاری نموده آقای استاندار محترم‌تبریز که ازمرکز عازم تبریز بودند در میانه شرح بدبختی و طرز عملیات احمدمزبوررا بایشان‌تظلم که دستوررسیدگی رابآقای‌سالارمظفر بخشدار محترم‌میانه صادرچون آقای‌بخشدار درقبال صداقت‌وفاقد بودن‌چشم‌طمع‌ودرستی‌درانجام وظیفه بیمی از هوچیگری احمد منظور ندارد بامراجعه‌به مدارك ثبتی اینجانبه در عملیات غیر قانونی احمد مزبور جدا جلوگیری وچون احمد مزبور در قبال دسته بندی خود انتظار چنین اقدامی را ازبخشدار میانه به جلوگیری از اعمال خودسرانه و جابرانه خود را انتظار نداشت با دسته بندی خود که مرکزش در گوشه قهوه خانه میباشد شروع به تشبثات برعلیه‌بخشدار میانه بوزارتخانه‌ها و جراید مرکز بعنوان مختلفه مبادرت مینماید علیهذا چون تمرکز خود را باوضعیت بیماری در محل از بیم احمد گرمرودی خطرناك دانسته لذا کلیه اثاث‌البیت‌خودرا باحضوربستگان احمدونماینده‌بخشداری وشهربانی‌دریکی ازاطاقهای خانه مادرش محصور و بمرکزعزیمت نموده اماز جناب آقای نخست‌وزیر و آقای وزیر کشورورباست محترم مجلس‌شورای ملی وآقای وزیر دادگستری استرحاما بنام نوع پروری‌وعدالت نوازی‌استدعای رسیدگی‌مظلومانه خود را بوسایل مقتضی بفاد داد خواستم را برفع مزاحمت‌احمد ودادگاه‌میانه‌واز‌مستاجر خودامام‌ملی مرادی و تکلیف قطعی اینجانبه از حیث مخارج و معالجه وهوچی گری ودسته بندی او کـه‌موجبات زحمات واغتشاشات‌محلی‌ودوائر میانه‌است‌خواستارم

نصرت گرمرودی‌دارنده شناسنامه شماره ۹۱۴ صادره‌میانه ساکن تهران خیابان گمرك کوچه حمام کبابفروشها منزل علی اصغر خدایاری

و مانند آنها باز نمودم تااندازه ای رام شدند وبابا دانستم که چگونگی را بنویسم یا اگر شایسته باشد در روز نامه پرچم که یکی از وظایفش نبرد با خرافات هست درج نمایند باشد که وزارت‌جنك باین موضوع مهم متوجه و برای اینکه سربازان نیرومند و با اراده ای تربیت نمایند و برای‌اینکه کشور وتوده دربرابر هزینه ای که تحمل مینمایند بهنگام‌خود بتوانند از وجود سربازان استفاده‌نمایند در قسمتهای ارتشی کسان برجسته و درست اندیشی بگمارند که برای سربازان‌راستی‌ها را شرح‌دهند وبا این گونه خرافات نیرو فرسا نبرد نمایند وگرنه ازسربازی که چهار شنبه و سه شنبه و سیزدهم و عطسه و مانند اینها ،مؤثردرپیش آمدها میداند‌انتظار موفقیت‌نباید داشت ودرروز گیر ودار باعث‌نابسامانی وآشفتگی کار خواهد بود

آگاه

یك پیام وپاسخ آن

شرحی‌را کەدرشماره۲۰۹ پرچم زیرعنوان « گفتگو بابهائیان» بچاپ رسانیدیم‌مایه دل‌آزردگی برخی از بهائیان تهران‌گردیده وبا زبان یکی از یاران « باوفا » چنین پیامی فرستاده اند : « شما که دعوی صلح کل می کنید بهرچه بما میتازید ؟! اگر منبر دیوان نتوانسته پاسخی به پرسش شمادهد ما حاضریم پاسخ دهیم . شما بخانه ما بیایید وماییز دانشمندان خود را میخواهیم تاباشما گفتگو کنند» این پیامیست که فرستاده اند .

می گویم : آن شرحهایی که زیر عنوان(چرا از عدلیه بیرون آمدم ؟ ۰۰) در شماره های‌پرچم بچاپ میرسد تاریخچه زندگانی منست که چند سال پیش یاد داشت کرده ونمی خواستم در زندگیم به چاپ رسد . ولی یك علتی مرا بچاپ آن واداشت آن یك تکه نیز در آن میان بچاپ رسیده .

هرچه هست مارا بابهائیان یا با دسته دیگری دشمنی نیست وهرگز نمیخواهیم بناسزا دلیرابشکنیم وبیازاریم ما هرچه میکنیم بنام‌دلسوزی بجهانیان است . ما می گوییم : همه جهانیان باید یك دین آیند . دین در نزد ما شناختن معنی درست جهان وزندگانی وزیستن از روی آئین بخردانه است ؟ واین نچیزیست کـه گوناگون باشد . راستیها در همه جا یکیست .

این یکی از خواستهای بزرك ماست وبرای رسیدن باین خواست ناگزیریم با همه کیش های گوناگون ودیگر گمراهیها نبرد کنیم وبهرکدام ایرادهائیکه میداریم بنویسیم تابخردها تکانی دهیم وبه نتیجه ای که خواستاریم برسیم . آن ایرادها که بصوفیگری یابه بهائیگری یابه خراباتیگری‌یا بمادیگری یابفلسفه یونان یابکیشهای پراکنده می گیریم از اینرا هست نه‌از روی دشمنی یابدخواهی ما این ایرادها را میگیریم وپیروان آنها یـا باید پاسخی بادلیل بایراد بدهند ویا بنام راستی بژوهی بما بپیوندند . از آقایان بهایی نیز همینـ را چشم می داریم .

اینکه مرا به نشست خوانده اید من بخانه کسی نمیروم ولی در خانه ام بروی هر کسی باز است . ازآنسوی به نشست چه نیاز است ؟ ۰۰ یك پرسش من کرده ام وشما نیز پاسخش را (اگر دارید) بفرستید وما با خشنودی در پرچم بچاپ میرسانیم.

این را در اینجا می نویسم : دوسال پیش یك مردی از شما بنزد من آمد و چنین گفت: مـن از خوانندگان پیمانم ولی میخواهم امشب یك پرسش کنم ، و آن اینکه شما مینویسید کسیکه پیش‌افتاده و در زمینهٔ کوشش کرده دیگران نباید در همان زمینه بکوشش های دیگری پردازند ، بلکه بآن کوشنده یاوری نمایند و بکار او پیشرفت دهند . این را بارها می نویسید، ومن می پرسم پس چرا خودتان آنرا بکار نمی بندید ؟! . این سخنانی که شما مینویسید بهاءالله پیش‌از شما گفته است‌،پس چرا خود شما آن نمی کنید که دین بهایی‌ را رواج دهید و کوششهای بهاءالله را بنتیجه رسانید ؟! » من چون دیدم مرد با دانش و فهمی است چنین گفتم : اگر این راستست که هرچه مـن می گویم بهاء الله پیش از من گفته است حق با شماست ومن بایستی‌بجای این کوششها یاری‌ازبهائیگری پردازم ، ولی باید دید چنان چیزی راستست؟!.

سپس شرح دادم که گمراهی بزرك امروزی ما دیگریست . دانشهای طبیعی با فلسفه مادی دست بهم داده ثابت می کنند که جهان آفرینش جز این دستگاه‌سترسای‌مادی نیست و در پشت سراین‌هیچ چیزی نمی باشد واینست دانشمندان اروپاوامریکا به خدا و روان و خرد و زندگانی جهان‌دیگرباور ندارند، وگذشته از این زندگی را جز نبردی‌در میان زندگان نمی شمارند و در نتیجه اینست که‌هر کشوری میکوشد بدیگران برتری جوید وآنهارا زیردست خودگرداند ، این بزرگترین گمراهیست که جهان‌بخود دیده و شما چون پیمان‌راخوانده‌اید نیك میدانید که ما چه نبرد هایی با این گمراهـی نموده‌ایم و می نماییم و من چه پاسخهایی بفلسفه مادی داده‌ام ، و شما بگویید که بهاءالله در این بارەچه نوشته است؟! چیزهای دیگر بکنار، تنهادر بارهٔ خرد چه نوشته‌ای از بهاءالله یاازجانشینان او در دست است ؟! . دانشهای کنونی خردرا بمعنایی که ما میگوییم منکرند ، در حالیکه اگرخردنباشد همه دینها از بنیاد بر افتاده ، زیرا عنوان همه آنها استناد بخرد است، از این رو من می پرسم آیادر بارهٔ خرد ورد دلایل فلسفه مادی چه نوشته ای از پیشوایان دین بهایی در میانست؟!..

برخی پرسشهای دیگری نیز کردم که نیازی به نوشتن آنها در اینجا نیست و پاسخ‌را به نشست دیگر واگزاردم . در نشست دیگر آن مردبا خرد آمد و چنین گفت «من‌خستوانم که دین بهاء برای امروز سودی ندارد و نمیتواند جلو گمراهیها را بگیرد » واکنون همان مرد از هواداران پیمان‌و پرچم می‌باشد . همچنین کسانی از جوانان‌دانشمند در مراغه و تهران و آمل و اهواز از بهائیگری روگردانیده و بما پیوسته‌اند.

اینها را می نویسیم تا شما بدانید که پیشرفت ما جز از‌راه دلیل و منطق نیست و خواستی جز نشر حقایق نداریم واینست همیشه نتیجه برمیداریم و بیاری خدا همه پاکدلان و بخردان بما خواهند گرایید .

دربارهٔ رمان -۲-

رمان بلای جامعه است

آقای کسروی دارندهٔ پرچم نخست میخواهم بنام آزادگان آمل از کوشش‌های فراوانی که شما در انتشار پرچم ابراز میدارید و در این راه نه از دشواریهای مادی و نه از یاوه گوئی های نامردانی چند که سود خود را در اغفال جامعه می دانند نهراسیده و همچنان مردانه در کار خود پیشرفت میکنید سپاسگزاری و ارج شناسی فراوان نمایم . اینکه ستونی از نامهٔ پرچم را مخصوص رمان نموده و همراهان را دعوت نمودید که از زیان‌های این مار خوش‌خط وخال که مانندزهری کشنده در میان جوانان ما ریشه دوانیده واوقات گرانبهای مردان و زنان این سرزمین را که در این بحران جهانی بایستی صرف کارهای سودمند گردد بخود مشغول داشته آنچه می‌دانند بگویند تا شاید چشم و گوش توده بیدار شده از این افسانه های پوچ و بی‌معنی که بهزار اسم عجیب و غریب منتشر می شود استقبالی بعمل نیاورند شایان بسی تمجید و تحسین است . گرچه خامهٔ توانای دارندهٔ پرچم خود بتشریح معایب ومفاسد بطوری قادر است که دیگر نیازی بگفتن این و آن ندارد ولی چون منظور آن استاد ارجمند (داوری توده) بوده و می‌خواهند عقاید آزادگان را که‌در همه‌شهرهای ایران پراکنده‌بوده و با مشعل فروزان پیمان و پرچم راه زندگی جامعه را روشن دارند انتشاردهند من نیز با آنکه چندان ذوق نویسندگی ندارم‌برخودلازم دیدم که مفاسد رمان را تاآنجائی که میسر است بنگارم :

اولا باید دید این کلمه (عشق) که وردزبان هر کودك دبستانی شده و سوژه اغلب افسانه های بی سر و بن است خود چیست و معنی اش کدام است ؟ آیا عشق بمعنی این است که اگر جوانی دل بدختری و یا دختری دل بجوانی داد و از دل دار خود محبت ندید بایدخود را بکشد ؟ آن روزگاری که عشق داستانی می گردید و از افسانه لیلی و مجنون صد کتاب می پرداختند گذشت ؛ امروز آنداستانها در پیش آزادگان ارجی ندارد ، امروز باید مرد کار شد ، زندگی با عشق بازی سازگار نیست و آقایان نویسندگان بدانند که هر جمله عاشقانهٔ که درداستانهای سراپا پوچ خودبکار می برند حربه زهر اگینی است که بجان جامعه فرستاده‌اند و بوسیله آن یکعده ازجوانان ودختران بی خبر را بنام عشق فدای شهوت ساخته وعمری سیه روز می کنند ، اساسا مادام که نبشته ها و گفتار های خوب و خواندنی مانند پرچم و پیمان در دسترس ما است چه نیازی به نوشتن وخواندن اینگونه رمان ها وافسانه های زیان بخش است ؟ بیائید ازامروز همچنانکه آقای کسروی میخواهند وسود خودمان هم درآن است پشت پایه شعرهای ناپسند و رمانهای ناسودمندزده و بافسانه نویسان و شعرا بفهمانیم که هرگز فریب آنها را نخورده وهمیشه درزندگی آزادانه وبا کدلانه قدم میگذاریم

آمل - قاسم سعادت

پرچم - از نوشته آقای سعادت خشنودیم و راستی را این کتابهای رمانی جز بسوزانیدن نمی شاید و هر مرد باغیرتی همینکه رمانی در دست دختر یا پسر یا همسر خود دید اگر بهره از خرد دارد باید آنرا بگیرد و یکسره بیخاری یا باجاق اندازد . این کتابهای شوم به بیش از آن نمیارزد اما درباره عشق ما نمی‌گوییم نباشد . عشق بمعنی درست خودگرایش و دلباختگیست که میانه‌یکزن و یکمردپیدا میشود وچاره اش آنست کەزناشویی کنند و خانواده پدید آورند . اما اینکه یکدختر و یك پسر سالیان درازی باهم عشقبازی کنند و بجای زناشویی بآمیزشهای ناروا پردازند آن پستی و پلیدیست نه عشق . نتیجه این عشقهای پلید است که دخترهای بسیاری‌را بروزهای سیاه‌نشانیده ونشیمنش را بشهر نو کشانیده . آری جوانهای پست و پلید بجای زن گرفتن با این عشقبازیها بسر می برند .

یك کار زشت دیگری درباره دختران کار آمردان پلیدیست که بنام صیغه چندشبی بادختری آمیزش می کنند و سپس بیرونشان می‌فرستند که بیشترشان ناگزیر می گردند براههای سیاهکاری بیفتند . این کاررا بیشتر آخوندهای پولدار وحاجی های مفتخوار می کنند و در هر شهری چندتنی از این نامردان‌هستندونزد خوداین راگناه نمیشمارند زیرا که صیغه کرده اند .

تفو بر این نامردان ! تفو بر کیش وآیینشان . از یکدختر بینوائی سرمایه زندگانیش را با بهای بسیار اندکی می گیرندواورا تیره روز می گردانند و خودرا گناهکار نمی شمارند . اینست نمونه ای از دینداری اینان .

ما اینان‌را نیز پست وپلید می شناسیم وبیاری خدا باید روزی بهریکی کیفر سختی دهیم .

در پیرامون کارکنان‌دولت

در شماره ۲۰۰ روزنامه پرچم شرحی زیر عنوان (زندگانی کارکنان دولت) بخامه توانای آقای عطاء الله اشراقی درج گردیده و اینك از آن مدیر محترم نامه پرچم خواستارم شرح زیررا در دنباله آن درج فرمایند .

حقوق کارمندان رادولت صد درصد افزوده که درواقع ازطرف‌دولت ملت خواه کمك‌بزرگی بعمل آمده لیکن غافل از اینموضوع که محتکرین ستم پیشه و بعضی‌از کسبه حاج رفته که بتازگی‌در یکماهه رمضان هم روزه دارهستند ؟ نرخ اجناس قبلی را (پنج برابر که پیش کش خودشان) ده برابر بالا برده اند مثلا تخم مرغ دانه ده دینار اکنون به یك ریال افزایش یافته (آنهم به ندرت در دسترس خواستاران گزارده میشود) یا سیب یکمن ۵ ریال فعلا در بازار کیلوئی ۱۶ریال که در حقیقت یکمن (سه کیلو) ٤٨ ریال قیمت پیدا نموده .

تمام این پیش آمدهای ناگوار براثر سماجت و پررونی بعضی ازآقایان پول دوست وطماع‌این کشور می باشد غافل‌از اینکه دست طبیعت دراز و روزی خواهد رسید که آنها را افلج نماید

بنا بگفته‌آقای اشراقی فلان کارمند عیل‌بیچاره اگر خدای‌نکرده هوس‌خوردن میوه کند یااینکه بچه‌های کوچکش که‌سرد وگرم دنیارا نچشیده‌اند بهانه میوه بگیرند دست کم میبایستی یکمن میوه بمبلغ ٤٨ ریال خریداری نماید .

در صورتیکه حقوقش روزی ۳۰ ریال بیش نیست - آیا دیگر بچه را میتوان قانع نمود که‌سیب گران و حقوق من مکفی نیست ؟

خوانندگان حال آن کارمند را بنظر مجسم کنند ... آیا تاکی این پول پرستان برفتاربی رحمانه خود ادامه میدهند . البته بمصداق :

ز نساپاك چشم بهی داشتن
بود خاك در دیده انباشتن

نباید انتظار تغییر رفتار بعضی ازکسبه چشم تنك دنیا دوست را داشته باشیم- راستی رادولت که نباید هرقدر فلان پول پرست حاج رفته دیندار نرخ اجناس را بمیل خود بالا برد حقوق کارمندان را بهمان پایه بالا برد ؟

همگی از این زندگی خسته ورنجور یاواضح ترگوییم از راهچاره فرسنگهادوریم خداوندا این فرومایگان پست نهاد را که از این آب و خاك مستغنی و مستطیع گردیده‌اند نابودکن که هم‌دولت و هم ملت از طینت پلید این خطاکاران(که از شهریور ۲۰ تا بحال دوزخیان انتظار قدوم آنها را دارند)آسوده گردد تا بلکه‌برخی‌از دولتمندان پاکدل و نیك‌رفتار به اخلاق خود باقی مانده در دستگیری و کمك بمستمندان بیش‌از پیش کوتاهی ننمایند و دانسته باشند که نیکیهای آنها (آنهم در این روزها) گذشته از اینکه نزد خدا ارجدار است در خاطر بینوایان و ناظرین فراموش نشدنی است .

عطاء الله عیلامی

پرچم : از هرزیانی سودی باید جست واز هر گرفتاری پندی باید آموخت . ما از فشار زندگانی که کارکنان دولت گرفتارند سخت‌متاثریم و اینست بیایی این گونه گفتارها را بچاپ‌میرسانیم ولی باید این راهم بنویسیم که این آقایان کارکنان ادارات خود نیز گناهکارند . زیرا بجای آنکه درپی کارهای بهتردیگر باشند تنهاچشمشان را بادارات دوخته اند ونتیجه این شده که می‌بینیم خدا بکند ریشه آن فرهنگی را که نصیب‌ایرانیان را گردیده وجوانان را پس از سالها تضییع عمر چشم بسته ودرمانده بیرون میفرستد که بهیچ کاری جز از پشت میز نشینی شایسته نیستندوبلکه‌اندیشه کار دیگری از دلشان نمیگذرد ونتیجه آن میشود که امروز می بینیم . باید باین دردها از ریشه‌چاره کرد . باید راه زندگی را برگردانید .

آگهی فروش لوازمات اتومبیل وغیره

ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه ۷ آبانماه مقداری لوازمات اتومبیل در محوطه پارك مرکزی اداره هواپیمایی واقع در (دوشان تپه) بمزایده فروخته میشود . شماره ۱۱۲۳

از طرف اداره سررشته داری ارتش

آگهی فروش اتومبیل و غیره

ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه ۳۰ ماه جاری در گاراژ رو بری ژاندارمری (تشکیلات امنیه سابق) بمزایده فروخته میشود .

شماره — ۱۱۱۹ اداره سر رشته داری ارتش

آگهی

وزارت کشاورزی بیکنفر ماشین نویس مرد درجه (۱) نیازمند است داوطلبان میتوانند با مدارك مربوطه خود را باداره کارگزینی معرفی نمایند .

ش-۱۱۱٦

وزیر کشاورزی

اداره روزنامه پرورش

خیابان لاله‌زار کوچه‌رفاهی

بیمارستان رضانور

کما فی السابق دایر است چهارراه شاه و قوام السلطنه

تلفن ۷۸۳۴ - ۵—۱۰

شماره ۱۳۱۷ر۳٤۹٦ بتاریخ ۲۵ر٦ر۱۳۲۱

آگهی مزایده مال غیر منقول

کلاسه ۱-۲۰ر۷۹

دو دانگ مشاع از ششدانگ آب و زمین قریه کرملك (معروف بکرملك یوسفی) دارای پلاك شماره ۱۸۱۲ واقعه‌در قطعه ۳ بخش ۱ دزفول ملکی آقای سیدعلی یوسفیان که بثبت نرسیده و در اجاره نیست در قبال طلب آقای سید محمد رشید محمد قلندریان در روز پنجم آبانماه ۱۳۲۱ دوقبل از ظهر در اجراء ثبت دزفول طبق ماده ٥٤ اصلاحی قانون ثبت بمزایده‌گذارده خواهد شد .

ملك مزبور در مقابل مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال اصل ثمن معامله ومبلغ ۹۳۳۲ ریال خسارت‌دیر کرد وحقوق اجرائی و سایرهزینه های اجرائی وثیقه‌بوده و فقط بدهکار مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال ثمن‌معامله را پرداخته است با این تذکرطبق ماده ۵ آئین نامه مزایده از مبلغ ۲۹۳۳۲ ریال که بابت جمع‌وجوه اصل وخسارات وحقوق اجرائی و هزینه های اجرائی‌است آغاز میشود (مالیات حراج نسبت بمازادطلب بستانکار بعهده خریدار است) طالبین میتوانند در روز و ساعت معینه در محل مزبور حاضر و درخرید شرکت نمایند .

این آگهی درظرف بیست روز سه نوبت منتشر میشود تاریخ انتشار آگهی نوبت اول شانزدهم مهر ماه ۱۳۲۱

شماره ۱۰۹۳ ۲—۳ رئیس ثبت دزفول - مقتدری

آگهی اختصاصی

چون تحدید حدود یکباب دکان شماره ۱۵۸۵ بخش ٥ مورد تقاضای بانو سلطنت بعمل نیامده واز طرفی هم طبق ماده ۱۵٤ قانون هم نمیتوان عمل نمود .

لذا بر حسب تقاضای ایشان عملیات تحدیدی در روز ۱۸ / ۸ / ۲۱ ساعت چهار قبل از ظهر الی ظهر در محل شروع و بعمل خواهد آمد .

بدین وسیله به مالك و مجاورین آگهی میشود که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهم‌رسانند . تاریخ انتشار ۲۱/۷/۲۵ شماره ۱۱۲۲

رئیس بخش جنوب ثبت املاك تهران

آگهی

پیرو آگهی شماره ۷۹۷ مورخه ۱٦ر۱ر۲۱ لزوما باستحضار عموم میرساند که فعلا شروع بثبت عمومی املاك واقعه در سیر خط اوله نفت از گچساران - به آبادان که مبدء آن در آب شیرین قطعه یك بخش ٥ بهبهان و - انتهای آن در آبادان میباشد بعلت فراهم نبودن و سایل موقوف وآگهی ماده ۹ و ۱۰ قانون ثبت که راجع به املاك مزبور منتشر شده اعتبار نخواهد داشت .

شماره ۱۱۳۱ مدیر کل ثبت محمود هدایت

آگهی

پیرو آگهی شماره ۷۹۵ مورخه ۱٦ر۱ر۲۱ لزوما باستحضار عموم میرساند کهٔ فعلا شروع به ثبت عمومی املاك واقعه در قطعه یك بخش ٥ بهبهان واقع در گچساران بانضمام املاك شرکت نفت انگلیس وایران بعلت فراهم نبودن وسایل موقوف وآگهی ماده ۹و۱۰ قانون ثبت که راجع به قطعه مزبور منتشر شده است اعتبار نخواهد داشت ش - ۱۱۲۰

مدیر کل ثبت — محمود هدایت

آگهی نوبت سوم

بکلیهٔ اشخاصی که بعنوانی‌از عناوین قانونی در ذمه آقای ارتور کار اواجی در گذشته تابع کشور ایطالیا ویا براعیان ترکه او برای خود حقی قائل باشند اطلاع میدهد که از تاریخ انتشار اولین آگهی یکم خرداد۲۱ تاششماه خود را باداره تصفیه تهران واقع در خیابان لاله زار کوی نکیسامعرفی نمونه رونوشت یاعکس گواهی شده مدارك بستانکاری وحقوق دیگر را باتعیین موضوع حق خودتسلیم نمایند ضمنا بکسانیکه اموال در گذشته نزد آنها است ویا بمشارالیه دینی داشته باشند اخطار مینماید که دیون خود واموال متوفی را باین اداره تسلیم ورسید دریافت دارند .

ش — ۵۰۷ اداره تصفیه تهران

آگهی

برای دانستن آقایان تبریزی‌ها ومهابادی‌ها ودیگران آگهی داده می‌شود که چون‌هاماسپور خانم ولوسابر خانم دختران آقا مارتون نظربیگوف بعنوان دعوی ارثیه نسبت بسهم آقا نظرنظربیگیان از قراء کلبرضا خان وقپان کندی وغیره واقع درمحال میاندوآب که ملك مختص و خریداری خودآقا نظر است در دادگاه تبریز آقامه دعوی نموده و با تشبث واشتباه‌کاری حکمی نسبت بمقداری از رقبات گرفته اند که گمان میرود بخواهند بمستند همان حکم بصدد فروش ومعامله درآیند این است برای‌آگاهی اشخاص نوشته می‌شود که از حکم صادر درخواست رسیدگی فرجامی شده و البته مورد شکست خواهد بود وچون آنخانمها دارای هیچ اعتباری نیستند و باحکم اعتبار مبادرت بآقامه دعوی کرده بودند ناگزیر خریداران دچار خسارت جبران ناپذیری خواهندگردید . برای اتمام حجت آگهی داده می شود وکیل نظر بگیان

شماره ۱۰٤۵ ۹-۱۰

آگهی

بتاریخ ۲۱ر٦ر۲۱ آقای محمد صادق قاضی بشناسنامه شماره۲۳۷۲ باستناد یك برگ گواهی نامه و رونوشت شناسنامه خود دادخواست شماره ۳ر۲۱ر٦۵۱٦ داده‌باینکه‌زهرا قاضی صاحب شناسنامه شماره ۸۵۰ در تاریخ ۱۸ر۵ر۲۰ در طهران جایگاه همیشگی خود فوت و حین‌الفوت ورثه متوفی منحصر به یك نفر شوهر بنام محمد صادق قاضی و یك نفر مادر بنام بانو طوبی بشناسنامه شماره ۸۵٦ و دو نفر دختر بنام فاطمه قاضی بشناسنامه شماره ۷۵۲ و رقیه قاضی بشناسنامه شماره ۱۲۳۹ غیراز چهار نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی‌ماهی‌یکبار آگهی میشود باگذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز والا هر وصیت‌نامه غیر از رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

شماره ۱۰۱۸ دادرس شعبه ۳ دادگاه بخش تهران رضا خلیلی ۲ — ۳

شماره ٦٦۲٦ ۵ر٦ر۳۲۱

آگهی مزایده

شماره حساب ۸۸۷۵ م ر ۳-۱٦۱٤

مساحت ۷۷٦ متر مربع زمین با کلیه ساختمان واقع در آن که احداث ساختمان یك طبقه وگاراژ وکارخانه تعمیر اتومبیل وعمارت شده مفروز ومجزی شده از ششدانك یکقطعه زمین به شماره ۲ر۱۱۷۸ واقع در بخش دو دولت تهران خیابان کوشك ملکی آقایان میرسید غلامحسین میر غلامعلی مهنا وبانوان شمس‌الملوك فخرالملوك وتاج‌الملوك مهناقسمه‌آقایان میرغلامرضامیر شمس‌الدین میر منصور مهنا که بثبت رسیده و در اجاره نمی‌باشد .

در تاریخ ۲٦ر۷ر۱۳۲۱ یك ساعت قبل از ظهر در شعبه ۳ اجرای ثبت تهران بمزایده فروخته میشود .

مورد مزایده درمقابل هشتاد هزار ریال وثیقه بوده و برای وصول مبلغ ۷۰ر٦۹۳۳۳ ریال اجرائیه صادر شده

وفعلا مزایده از مبلغ ۲ر۹۲۷٤٤ ریال شروع خواهد شد .

مالیات حراج نسبت بمازاد طلب بستانکار بعهده خریدار است .

ش ۱۰۵۷ ۳—۳ رئیس شعبه ۳ اجرای ثبت تهران - عدل

شماره ٦۳۹۲ تاریخ ۵ر٦ر۳۲۱

آگهی مزایده

شماره حساب ۸۸۷٦ ن ر ۳-۳۰۲

ششدانك یکقطعه زمین بمساحت دویست وپنجاه ذرع که بعدا احداث خانه شده است شماره ۳۰٦۷ واقع در تهران بخش ۳ حسن‌آباد جهت شمالی خیابان سپه مقابل باغ شعاع‌السلطنه ملکی‌آقای عنایت الله نیری که بثبت رسیده و در اجاره نیست در تاریخ ۲٦ر۷ر۱۳۲۱ ساعت سه ونیم قبل از ظهر درشعبه ثبت تهران بمزایده فروخته می‌شود ملك نامبرده درقبال مبلغ چهل ویکهزار ریال اصل وثیقه بوده و اجرائیه برای‌وصول‌مبلغ چهل ویکهزار ویکصد وپنجاه وپنج‌ریال وهفتاد دینار صادر شده وفعلامزایده از مبلغ ۱ر٤۵۹۳۱ ریال شروع میشود مالیات حراج نسبت بمازاد طلب بستانکار بعهده خریدار است

ش ۱۰۵٦ ۳—۳ رئیس شعبه ۳ اجرای ثبت تهران

شماره ٦۸٤۳ ۱۸ر٦ر۳۲۱

آگهی مزایده

شماره حساب ۱۸۸۵٤ ر ۲۰ر۹۸۷۹ر۲۱ ب ر ۳ — ۲۷۸

یك قطعه زمین بمساحت ۵۷۵ متر مربع مفروز از ده هزار و هشت صد و سی و یك گز و ۹۹ بهر زمین شماره ٦ر٦۸۹۹ واقع در تهران بخش ۲ خیابان عباس آباد بالای باغ امجدیه ملکی آقای سید صادق بطحائی که به ثبت رسیده و در اجاره نمیباشد

در تاریخ ششم آبان ۳۲۱

ساعت یك قبل از ظهر در شعبه ۳ اجرای ثبت تهران بمزایده فروخته میشود

و مزایده از مبلغ ٤۵ر۱۲۲۹۳ ریال شروع خواهد شد

مالیات حراج نسبت بمازاد طلب بستانکار بعهده خریدار است

تاریخ انتشار ۱٦ر۷ر۳۲۱ رئیس شعبه ۳ اجرای ثبت تهران — عدل

۲—۳ شماره — ۱۰۹۲

شرکت چاپخانه تابان

